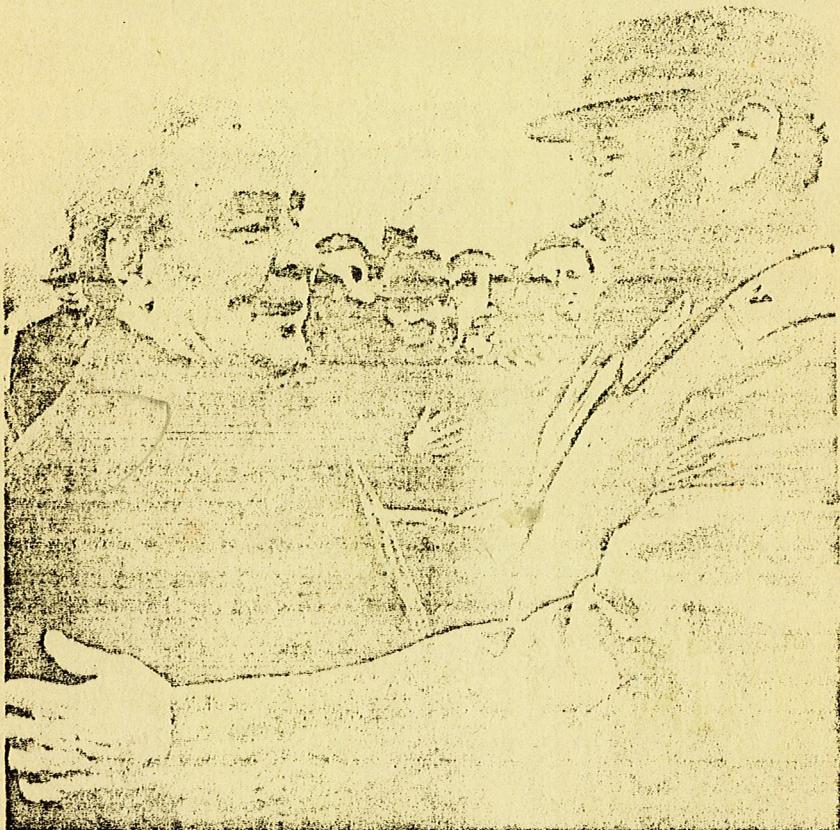


بُلْغَةٌ :

لَيْكَ شَنْدَنْ يَكَ اْفَسَانْ



اَرْ اَنْعَلَابْ فَضَدَا بِپَرِيالِسِيَّتِي تَا
مَزْ دُورِي سَسْوِيَّا بَا بِپَرِيالِسِيَّم

مقدمه بر ترجمه فارسی از حزب کمونیست آنفال بسی امریکا (RCP)*

این جزو ابتدا در سال ۱۹۲۶ منتشر گردید. اما جزوی و تعلیل آن امروزه نیز قابل

استفاده است. همانکه دو ابرقدرت امریکا و شوروی با خاطر کتول جهان برای یک زیرآزمایی اماده می شوند که با متوجه مخالف تهیه کردن سرباز برای شوروی است. برای مثال ۴۰۰۰ سرباز کوبانی که سه سال پیش از تعلم شدن جنگ داخلی انگلستان در آنجا مانده اند. همانین به نفع سربازان نوامی در دعافه امریقا توجه کنید که سعی در درهم شکستن مبارزات استقلال طلبانه مردم اریمه دارند.

اما این جزو از جهتی قدیمی شده است. در زمان نوشته شدن جزو چنین تحت رهبری

مائو تسه دهن و حزب شوینیست چین یک کشور سوسیالیستی و پیشتاز انقلاب جهانی بود. ولی پس از مرگ مائو و قتل یا دستگیری (منجمله به اصطلاح گرو چهار نفر) کسانی که در راه او مبارزه میکردند بینندگان راه سرمایه داری به وی بری تگ سیانو بینگ و هواؤکونگ قدرت را بدست گرفتند و چنین را به سرنشیو راه سرمایه داری سوق دادند. این سکان نه انقلابی با بندهشان شدن در زیر تئوری ارجاعی مه جهان (که آنها به دروغ سعی در نسبت دادن آن به مائو تسه دهن دارند) از توده مسای تحت ستم جهان می خواهند تا همانند خودشان با امریکالیسم امریکا متحد شوند.

انتقاد از اتحاد شوروی و کوبا و نقش آنها در جهان امروزه هیچ وجه مشترکی با موضع این نه انقلابیان نمایندگان نزد مه جهان ندارد بلکه از نقطه نظر موضع بوجود آوردن انقلاب و مبارزه توده های جهان بدین در غلبه نهادن بزیر سلطه امریکا یا شوروی می باشد.

مقدمة

امروزه نوش کو با در جهان این امر را بر ایت مهم ملخته که ماهیت طبقاتی رهبرانش و ساختن و تعمی آن افشاء گردد.

کو با در حرف، موسیالیست است. جنگیدن هزاران سریاز کوبانی تحت رهبری شوری در آمریقا بخاطر پیشبرد خاص انتراپسیونالیسم برطانی معرفی شده است. ولی مژه وان چهاره خوار آمریکانی نیز که در آنجا میجنگد برجمنای آزادی و خد لبرالیستی. رابه لحتراز در آمریکا نهاد. بدین است که برخورد ریشه ای جهت درک چیزهای که واقعاً در جهان جریان دارد لام است. برای شناخت یک کشور باید برسید که چه طبقه ای در قدرت است، و برای شناخت سیاست های بنی کشور باید برسید که این سیاستها به چه طبقه لی خدمت می کنند.

انقلاب مال ۱۹۰۱ تحت رهبری فیدل کاسترو نبودی حاکم این بالمهنتمی این کانی وزین دران کوباین، سرمایه داران ولیسته و تملک انکھایان، اولان و جنایت کاران، گاوه عظیم بیش را برای کو با در برداشت. بدین سبب و بخاطر اهداف انقلابی که کاسترو و اطرافیانش مدی بودند، بسیاری از مردم دو سراسر جهان به کو با به عنوان الیامخش و رهمند رجایت شان نگیریستند.

اما دیدگاه طبقاتی، خطمنی سیاسی و شبیه هایی که رهبری نزوح داد در هرجای جهان که بکار گرفته شد بجهیزی جز شکست و غصب نشینی نمی نگشت، و نتیجت شد که آنها برای گشتن مبارزه انقلابی اشتباه و خطا هستند.

در کو با انقلاب به خود مبدل شده است. امروزه کو با با اقتصاد تحت سلطه شکوش و زحمتکشانش بوده گلن مژه وی که برای پرداخت پیشنهادی بی بایان بشوی کاری کنند، بهمان انداده مستعمره شوروی است که زمانی مستعمره آمریکا بود. رهبران انقلاب خد لبرالیستی مال ۱۹۰۱ آنها خود تبدیل به یک طبقه جدید سرمایه دار ولیسته شده اند.

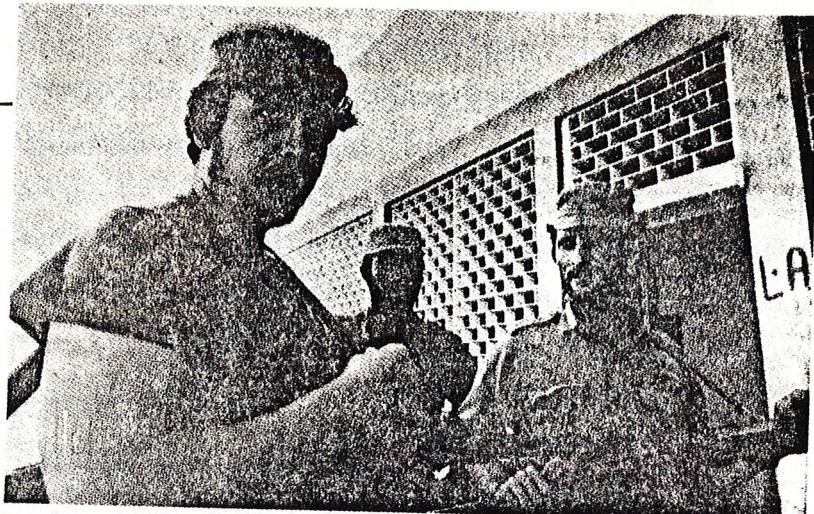
سلطه کو با منحصراً در حال حاضر بد و دلیل مهم است. از لحاظ بین الطی، شوروی که خود بکشور امپرالیستی است و معنی در واگن کردن سلطه آمریکا بخاطر بچنگ درآوردن مطلع برای خود را دارد، در حال استفاده رو زانزیون از کو با است. شوروی از کو با هم و بمنوان چیز دهم کلوچه استفاده می کند.

در آنکلا ، در حالی که سرمازان کوبایی بیشکم حرکت شوروی در نفع آن کشور در زیر پوشش مخالفت با امپرالیسم آمریکا (که مدعی در انجلیم همان کار در زیر پوشش مخالفت با شوروی را دارد) شدند ، روسها کوبا را بعنوان نمونه ای از اینکه چگونه "کله" شوروی برای کوبا سوسیالیزم را خربده است نشان داده و مسامنه یکسانی را به آنکلا و دیگر کشورها پیشنهاد می کنند . این ترکیب رولهای امپرالیستی "وقائیکلی" خد امپرالیستی "کلیدی است در تلاش‌های سوسیال امپرالیستی‌های شوروی برای جانشینی بسیاری آمریکا به عنوان قدرت عnde امپرالیستی جهان ، و به همین علت کوبا برای شوروی با ارزش است .

سخنان متواضعانه در کفره حزب

اولین کفره حزب روز بولیویست "کوئیست" کشور کوبا در دسامبر ۱۹۲۵ ، تحریک موتیمات اقتصادی و سیاسی کو با را دوبلوک شوروی و بدیدار شدن روبلط سرمایه داری گذشت را در زیر آشتاب تبلان کوبا بعد از صالحها مخفی بودن در زیر لفظ "انقلابی" ثبتیت کرد . این کفره " برنامه ریزی اقتصادی و سیاست مدیریت " جدید کوبا تخصیص " میزان مسود آوری " بعنوان عالیترین اصل کشور را به تصویب رساند . کفره همچنین انتقاد از خود بالا بلندی را توسط کاسترو بخاطر زیست نگریدن به طرز تملک روس به همراه داشت ، بلکه " انتقاد از خود " که در آن او سعی در توجیه وضع کوئی کوبا کرده و بعدی سرتخطیم در قابل تزار های جدید فروود می آورد که نشان بر جمته ای از ماقیت تو مستحمره فعلی کوبا است . کاسترو توضیح داد " آیا ما متوجه بوده ایم ، ایا ما بجهن از آندازه بخود اختقاد نداده ایم " ، ما میتوانستیم بدینه که تئوری انقلابی به اندازه کافی در کشور ما توسعه نیافر و این که ما واقعی از انتقاد رفتادن همیق از انتقاد داشن و داشتن دان مارکیست به منظور لهد ای کله های واقعی انتقابل توجه ای به تئوری و عمل ساختن سوسیالیزم ، بسیار بزرگیم ۰۰۰ (سخنرانیهای کاسترو و دیگر اسناد کفره متواتند در [www.ranmag.com](#) نشریه روسی کوبا یافت شوند) .

حقیقت‌آهم حرفيهای متواضعانه از رهبران کو با ، کسانی که همین چند سال پیش در مقایسه با چیزی که آنها بعنوان " محافظه کاری " روز بولیستها پنداشته و چیزی که آنها بعنوان " دگما " تیم " به مارکیست - لنینیستهای واقعی تمدنی زند " خودشان را بعنوان فانوس انقلاب برای جهان سرم و دیگر مناطق تصویر میکردند .



سریازان کوبائی بعد از تحقیر آمیز در شمال آنکلا . بیشتر از ۱۲۰۰ سریاز کوبائی نختار کارشناسان " روسی به اسم مبارزه با امپریالیسم در لشکرکشی سویاچ امپریالیسم در تصرف آنکلا خدمت کردند .



فیدل کاسترو در شمار رهبران روز پیشت ادوارد گیرک از لهستان و اریک هونیکر از آلمان شرقی برای سخنرانی بزرگ در کنگره سال ۱۹۷۵ حزب شوروی در حال گفتشدن هستند . روسها کاسترو را دور دنیا در موقعیتهای گوناگون و امید به استفاده از تصویر " انقلابی " وی برای پنهان کردن مانورهای نظامی امپریالیست شوروی را مفید یافتد . در همان میتینگ کاسترو انتخابات زیادی بدست آورد از جمله " تشویق عللانی " برای خدماتش در آنکلا .

دو واتع در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ رهبری کوبا در خدمت به شوروی به عنوان یک بیانگر سیاسی در موقع مورد نیاز بسیار متوجه شده بود - بعنوان مثال با حمله به چین و ماآشنه دون در سال ۱۹۶۱، حمایت از تحریر شوروی به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ و به همین ترتیب . طی در آن زمان کوباییها می در ایجاد فاصله ای بین خود و روسها نمودند، تا شاید نقطه چشم و تصویر "ما- فوق انتلاین" کوبا را حفظ نمایند، در زمانی که طبقه جدید حاکمه صرایح دار شوری شروع به هر چه بدر تحقیق نشدن در میان شماره روبه لفڑی لز مردم با انگلار انتلاین کرد .

طی آنون بند های شوروی که رژیم کوبا را تا کون نگاه داشته بود بختی کشیده شده اند و رهبری کوبا می رسد تا بیشتر از پیش "متوجه" گردد . کاسترو و گوید امروزه سیاست خارجی کوبا بر جنای "در وحله اول دوستی بی شایبه با شوروی، منگر بیشتر فوجهان بی بلند" .

استفاده ای که شوروی بر جنای آن "دوستی بی شایبه" را با کوبا بنا نهاده در طول سالها تغییر یافته است، در ابتدا دوچه گذشت روی طبعی امپریالیستهای شوروی با امپریالیستهای امریکا بیشتر بطرف سازش و تسلیم متمایل بود . آنون وقتی شان با امریکا هر روز متیزه جویانه تروختن تری شود، استفاده شوروی از به اصطلاح "تنخیج زبانی" اساساً پیشنهای بر تجاوز و آمادگی برای جنگی باشد . در حالیکه امپریالیستهای امریکائی نیز از آن برای همان مقصد استفاده و کنند . زمان عرض شده استه طی بنظری رسید هر چیزیکه حاکم شوروی میخواهد برای کوبا نیز مناسب است، کاسترو برای روش ساختن هر گونه موظمنی در این مورد از حد خود با فراتر گذانسته و به بحران مشکل در سال ۱۹۶۲ اشاره و کرد، زمانیکه شوروی به صرف در کوبا مشکلای دور برداز را مستقر و سازد، و سپس زمانیکه به وسیله امپریالیستهای آمریکایی به مجازه دعوت و شد، نه تنها با خارج کردن مشکلها کاملاً سازش میکند، بلکه همچنین - بدون موال از دولت کوبا - قول تجملس کوبا را به آمریکا برای اطمینان اینکه آنها [مشکلها] وقتی اند را داد . البته در آن زمان کاسترو بد رستی شوروی را برای اینکار تقدیم کرد .

آنون کاسترو و گوید، که او بخاطر "تفهمیدن" اینکه این استفاده ناجوانمردانه از کوبا بعنوان یک معامله بر سرده با آمریکا "واقعاً" یک "بیروزی برای اردوگاه سوسیالیزم بود" . در اینجا بوده است.

اما این تنها ساری نبود که کاسترو مجبور به زدن آن در کفره بود . نه تنها رهبری کوبا با

توجه به سیاست خارجی شوروی مجبور بود که "متواضعتر" بشنید بلکه آنها می‌بایست "تجربیات خلید اصلی را در حیطه مدیریت اقتصادی" در شوروی پذیرش نباشد.

قوانين سرمایه داری بر اقتصاد کو با حکمتی کند

چه تجربیات مورد نظر اوست؟ آن "قانون اقتصادی" (مخصوصاً قانون ارض) "اداره مال ختمان سوسیالیزم" و آن "بول"، قیمتها، دارائیها، ذخایر، مالیاتها، اخبار، ببره و دیگر هوّلات کالایی می‌بایست مانند ابزار لام عمل کنند... برای تصمیم بر اینکه چه سرمایه گذاری حلولی بهترین منفعت است؛ تصمیم کیری بر روی اینکه کام تشکیلات اقتصادی، کام واحد ها، چه گروهی از کارگران به بهترین و چه گروهی به بدترین وجهی وظیفه شان را انجلیم می‌دهند، و بنابراین قادر به گرفتن معیارهای ~~سیاست~~ خواهند بود... (مخترانی در گزمه حزب)

کاسترو ادعا کرد، این از "واقعیت" سرجشی گرفته است، اما این واقعیت سوسیالیزم نیست. طبقه کارگر باید این قوانین و هوّلات را در نظر گرفته تا بتواند آگاهانه حیطه فعالیت آنها را محدود کرده و شرايط را برای رهایی یکباره برای همینه آماده سازد. ولن سوسیالیزم تعیین گشته باشد! مخنان کاسترو در اینجا به بن بست بسر خود می‌کند، سهم و مودهای نهائی از کلبهای اقتصادی لخیر شوروی - تجریب احیای سرمایه داری در شوروی را در خود جمع دارد.

کاسترو ادایه می‌دهد تا "سیستم اقتصادی جدید" را تشرییح کند [سیستمی] که هیناگر بنای اصولیست که بر همه کشورهای سرمایه داری حکومتی کند، مخصوصاً در شکل سرمایه داری دولتی: که قیمتها بر بنای هزینه تولید تعیین می‌شود؛ که کارخانه ها و صنا پیش که بالاترین نرخ بازدهی را در سرمایه گذاری هایشان بدمتی دهند باید برونو محمد ترین مطلق بشنند؛ که مدیران این واحد ها باید برطبق موقعیت اجتماعیشان و همچنین سود آوری تشکیلاتشان بود لخت شوند؛ که کارگران بر بنای سود آوری تشکیلاتی که برای آن کارگری کنند مزد خواهند گرفت و اگر بدون آنها تولید ارزانتر ننمود شغل خود را از دست میدهند؛ و بعلاوه این که کارگران صریغه بر بنای بازدهی که با معیار مقاطعه کاری سنجیده می‌شود (کاسترو گزارش داد، در حال حاضر حقوق ۲۰٪ از کارگران کو با به این روش تعیین نمی‌شود) (با اینکه بر بنای تولید تنظیم شده بوسیله سهمیه پسند لفت

آن شووند - به بیان دیگر، آنها نفع تعیین میکنند (این [من] در حال ساخت در همین ۴۸٪ از کارگران کوبا لعداً میشود) .

این حقیقت‌سازیه داری با تعلل شکوه لذ است . هیچ جا این زشت‌تر از زمانی که کاسترو در مردم کبود و شستنک مسکن در کوبا اظهار تأسف میکند نیست ، ولی " انقلاب تاریخی انجام کار زیادی در این باره " نبوده است دو حالی که بعد آن تکار گردید که دولت در حال مساختن ۱۰ هتل تریستی و تویسینه بقیه است . واضح است که : مسد آزوی مردم توجه امت نه متحاب‌جا مژدهم . البته ، کاسترو بیشتر از حاکمین سرمایه دار فعلی شوروی این را سرمایه داری نمی‌داند . تمام روزی بیشتر ادعایی کنند که این نوع چیزها فقط قدری تفسیر " واقع‌بینانه تر " از موسیمهایم است .

بند همی نفع بیلیون دلاری کوبا

بریان مسخره این است که برای سالها وهبی کوبا جدل پیکرد که گمل شوروی و خرد های شکریه آنها اجازه می‌دهد که هرجه آنها " برای ماختن موسیمالیسم و کمونیسم در پله زمان در کوبا " لحتیاج داشته باشند . اکنون با پنج بیلیون دلار بدنه جزیره به شوروی آ و آر نظر اقتصادی بیشتر از همینه و بیشتر بـ آن [شوروی]، به خوبی روشن است چیزی که واقع‌بینیم پیوست دقتاً متفاوت بود — شوروی قادر شد که برای خرد يك نوع مستحمره بسخورد . این توصیه هم چنین بیشتر از بیش روشن ساخت که استراتژی وهبی کوبا هیج ریخت یک کشور موسیمالیستی نیز نیست . محال مطرح میشود که کوبا چه نوع انقلابی داشت و چرا بند خرد هدل ند ، بطوریکه به دور از سرمایسم ارزوز کوبا حق استقلال و آزادی ملی انس را هم بندست نیازورده است .

شروع پیوسته از حق را فیکال پهلوی رفته قیصری است

این اولین باری نیست که یک قدر امپرالیست از جباری مردم کوبای برای رسانی ملی پنهان شود
پسندگ در آوردن کشور برای خود از آن بهو برداری کرده است. حیله های کفری و هیجان شوری
پیزه های تاری ای در جهان نیستند. اگرچه «خون و تند شده اند» اساساً آنها غرقی با آنچه کسی
امپرالیسم آنکه برای سالها مشغول انجام دادن آن بوده است، ندارد.

در سال ۱۸۹۸ زمانیکه مردم کوبای بعد از چندین سال جنگ با اسبانها در شرف کسب
استقلال شان بودند که آمریکا با مستحکم کک به کوبای بر طیه استعمار اسبانها مسلطه کرد، و بدین
 CZ تبریز چزیرو را بصورت نو مستمره برای خود تصرف کرد. با بوجود آمدن انحرافات جدید
صرایه داری در آمریکا این اولین جنگ امپرالیستی آمریکا بود که مناطق بدبودی را برای بدمت آورد
منابع مواد خل و صدور سرمایه های آمریکائی گشود.

سول سوما، گذاری های آمریکا به کوبایه ساخت بیمه مستمره نیز فزد. آن که فربنا
استعمار اسبانها در کوای بوجود آورده بود که تبریز تاری ای بخوردید. امپرالیسم آمریکا ب پشتیبانی
کردن از حاکمیت ملاکان پرداخت و یک مشت سرمایه دار و بسته به سراسر علی آمریکائی بوجود آورد.
بنابراین تغییر فرم کوبای از شکل یک صندوقه اسبانها به نو مستمره آمریکا با خود کردن هر گونه
ملکان بپیشرفت انجام شد. سینم ملکیت زمین تا انقلاب سال ۱۹۰۹ در کوبای تغییری بهمان صورتی
باقی مانده بود که از دوران سلطنت اسبانیاها، و اتساد آن سلطنتی کشور نیز برای مدبت مد مسدق



زندانیان کوبانی که در اول زانوی ۱۹۵۹ از زندان باتیستا آزاد شده‌اند. در حالیکه سربازان جنیش ۲۶ جولای وارد هواپای می‌شدند توده‌های کوبانی مشتاقانه انقلاب را که ابیرالیستها – امریکایی و ماموران آنها را از جزیره بیرون انداخته شادبلاش گفتند و خواستار نابودی نظام اجتماعی گذشتند. در عرض رهبری کوبا به نگهداری روابط طبقاتی گذشته به شکل جدید در حالیکه وانمود میکردند سوسیالیسم در حال ساختن است، پیدا مافتند.

نایت مانند بود.

این سهتم بیشتر از همه نشان خرد کنده ای را بر روز طبقه کارگران شهری و روستایی و دهستان کوچک و بدون زمین گذاشت. در همین زمان این جریان جلوی مونتهاي هم بجز نروتند ترين زبیندلران را گرفت - بورلوازي کوچک و بسیار ضعیف بود (که محدود به تولید چیزهای محدودی که بوسیله شرکتهاي ولایتی به امنیت نه تولید و نه وارد می گشت بودند) و تسبیباً خرد بورلوازي وسیع شهری.

در تمام این سالها کارگران کویا نفع زیبری گنده ای در جمله راتکه بورای استقلال و رهایی ملی ایفا نمودند و همچنین مبارزه سختی را برای منافع فوای خود علی کردند. در سالهای ۱۹۲۰ این به نقطه اوج خود رسید، زمانیکه تحریری حزب کمونیستی که در آن زمان وجود داشت، طبقه کارگر و متعدین آن یک معنی معظم از اختیارات و ظاهرات و همچنین قیلمهای سلطنت و ایجاد شرایط (شورای انقلابی کارگران) در کارخانهای شکر را برلے انداختند.

دولت مجبوب دست نشانده آنکه مرتکون عذر طلبی به زودی توسط یک کودتا نظامی للبنوانیستا جلشیم آن شد. اگرچه در چند سال بعد مبارزه بسیار شدید بود، ولی طبقه کارگر نتوانست بیشرفتها پیش را استوار کرده و بلایه هم غیر رانده شد. حزب کمونیست همچنانه از خطای این شکست در آن به پیش کشیده شد، بیشتر و بیشتر ریزپوشست گردید. در سالهای ۱۹۴۰ رهبری آن شرکت در دولت باشوتا را تقبل کرد، سپس زمانیکه با تیستا آتشا را بینی انداخت آشان به لانه های خود خذید و تا انقلاب سال ۱۹۵۱ در همانجا باقی ماندند. این سنته که بسیاری به تضمیم جنبش کارگری بمنتهی نوری مشکل و آنکه کرد اگرچه کارگران هرگز دست لازم باری باشرواپطخان بورند اشتد.

خرده بورلوازي متزلزل

در سالهای ۱۹۵۰ خرده بورلوازي متزلزل ترین طبقه در کویا شده بود. گروههای سیاسی که از آن برخاستند مشکلاتی که بروها برای مبارزه در راه منافع خود علی بودند. جنبش ۲۶ لونه از خرده بورلوازي شهری برخاست یعنی ۴۵ درصد از جمعیت کویا - نه هموزار تاجر بدون تجارت، فروشنده کان بدون نوش، معلمینی که هیچکس برای تدریس زبان اینگونه و کلا و دکترها با محدودی موقک و مریض، آرشیونک ها مهندسین با اندک کاری برای انجام دادن، و بهمن ترتیب در بیانیه برنامه

سال ۱۹۰۶ خود را ببنای "هناست شده بوسیله ابده های دموکراسی ناسیونالیسم، مددالت
بلتیلی ۰۰۰ [از] دموکراسی جلوسوی؟" شخص کرده و اعلام نموده که "دموکراسی نی تواند حکومت
پلے نزد ر و یا مذهب باشد که باید به حکومت از تعانی مردم باشد".

این سلماً نظریه خود را بروز ای را نشان داده با کتبه لئن نسبت به بروز ای بزرگ که او را
با این نگ داشته بود که تناقض با انتقال طبقه کارگر و تصویش لز دموکراسی "ماوراء طبقات".
برنامه عمل این با هدف محدود کردن آمریکا و زمینه اران بوسیله بیان داده به سیاست سهمیه که تحت
آن تبلید نیشکر کیا بوسیله امریکا کنترل می شد که محدود کردن سلطه بزرگرین زمینه اران برگشتگان ران
توسیع زمینه ای بلا استفاده و خوب شده به دهستان کوچک و نسراک کارگران شهری در سود
برای توسعه بازار جهت تبلید اندیختی و سرمایه گذاریهای نوین.

با این برنامه کاسترو و یک گروه کوچک در کوههای سیرا مانتانا (Sierra Maestra) بر طیه
حکومت بلتیستا دست به اسلحه بردند که در حالیکه دیگر روشنگران جوان و حرفه ایها به سازماندهی
خواست در شهرها پرد اختند. این جنگ تقریباً حیات هر طبقه دیگری را جلب نمود بجز یک مشت کوچک
از کسانیکه مستقیماً به امریکا و زمینه اران وابسته بودند. بسیاری از کارگران از این امر حیات کرده و
به آن پیوستند. در خود جنگ فاطع ترین نیزه خود را بروز ای روسانی بودند، بخصوص دهستان کوچک
که بجز سلاحه برای آنها تنها راه دفاع از زمینه ایشان در مقابل زمینه اران و ارتش بود. ارتش
بلتیستا که حد تا از دهستان تشکیل شده بود خیلی زیاد شروع به از هم پاشیدن کرد.

حکومت بلتیستا بعد از دو ماه بارزه با فقط چند صد شورشی مسلح فروخت. در ماههای
آخر حقی دلت آمریکا نیز مقداری از حمایت را از حکومت بلتیستا نفع کرد، با اعتماد به این امر که
لستمال وسیدن به سازن بجا نیش ۲۶ زیمه بینتر از باقی ملدن حکومت بلتیستا بیاند.

درست بعد از بدهست گرفتن قدرت در سال ۱۹۰۱، کاسترو با یک "سفر حسن نیت" به آمریکا
رفت، و در نیویورک هالمی کرد: "من به روشی و صریح آنها کار کرده ام که ما
کوئیستیتیسم ۰۰۰ دروازه ها برای سرمایه گذاریهای خصوصی که به
پیشرفت کوشا کمک کند، بازار هستند". اوحچی از امریکا برای یک برنامه
بزرگ کله های خارجی برای امریکای لاتین، "بسخنجه اجتناب از خطر کوئیستیسم" در
خواست کمل کرد. ولی این حرفها برای جلب اطمینان طبقه حاکم امریکا کافی نبود.

علیغ ملاقه اظهار شده کاسترو منی بر سازش کردن با دولت امریکا و تعامل امپرالیستهای آمریکایی برای جلب کاسترو در جهت حفایت از من معنان هیچ چیزی نبی توانست در کوبا بدین تصرف کردن املاک و کارخانه های شکر و بابان دادن به کار انحصار ات آمریکایی هم آنچا تغیر پلید . اینها بایه ها اقتصادی و سیاسی سیستمی بودند که بلطف برخاند شدن شویش گشته بعقاره طلیدن آنها بمعنى بسازه کردن با کم سیستم مستعمراتی و اربیلانش بود ، ولی در خلبل آنها عقب نشینی کردن ، بدین تسلیم کردن همه چیز ممکن نبود .

نیهدل کامنرو " مارکسبت - لنبیست " سری

زمانیک کامنرو اولین قانون اصلاحات ارضی را که اند ازه بزرگترین املاک (اکثر آنها متعلق به کهانیهای شکر آمریکایی بودند) را محدود میکرد اعلام نمود ، فیاضنی برپاند . ایالات متحده شروع به وارد کردن نشارهای اقتصادی و سیاسی برای واژگون نمودن ارتش سوریه که اینکه در محل دولت شده - کرد - و در مقابل کوبایها شرع بتصرف مایلک نیروهایی کردند که منافعمنان مختلف استقلال جزیره بود . در سال ۱۹۶۱ ذر حالیک آمریکا یک محاذه اقتصادی را تعمیل کرده بود دولت بخشای کبیری انتصاد را به تصرف خود در آورد . در آوریل آمریکا اندالم به تعرض ناموفق خلیج خوکا کرد .

در اوایل آن سال سوریه اولین هیئت نمایندگی بازارگانی خود را به کوبا فرستاد ، و خروجی های بیننهاد کرد که از کوبا با منکهای روسی حفایت کند . در اول ماه می کاسترو اعلام کرد که کوبا از این پس یک کشور سوسیالیستی خواهد بود . بعد از همان سال او اعلام نمود که وی یک مارکسبت لنبیست است و همینه بوده ، او توضیح میدهد " طبیعتنا اکرم ام در بالای بیکوتوریکو [کوهستان سیرا] زمانیک چند نفر بودم بلند شده و اعلام می کردیم که ما مارکسبت - لنبیست هستیم ممکن بود میجوفت به بایین کوهستان نبی رسیدیم " .

امپرالیستهای آمریکایی از این بیشرفت استفاده کرده تا یکوئند که رهبران انقلاب طاحد و اتنی خویش را تعلم دت بنهمان ملته و تحت ادعاهای دروغین بقدرت رسید - به بیان دیگر بمنظور یافتن بهانه های پسیوار از منلخ آنکار خود برای اینکه چرا آنهم مخالف انقلاب کوبا از دسته ای که بسی دارانی هی آنان دست را هم بودند - نلم خلیجی در کوبا مستو عملیات مضرمانه علیه کوباتوسط امریکانیزبهمین اسم انجام دند .

و آنها همچین از اعلام ناگهانی کاسترو برای تهمت زدن به کوئیسم با گفتن اینکه این روش بود که کو-
نیستها عمل ف کنند و با زیرجلکی وارد کردن سیستم شان بدون اینکه بخودشان زحمت بدد هند تا به
توده ها بگویند که جریان از چه قرار است واینکه کوئیستها نه تنها واقعاً بر توده ها نیکه نی کنند
بلکه مانند "استدان شیادی" عمل ف کنند، استفاده کردند. اگریست عظیم کارگران و دهقانان
کوپانی حالمیا ن ساخت انقلاب و بسیار موقن معيارهای که در پراشت بودند، از قبل تصرف اسلام
و کارخانه ها و اطمینان دادن به کشاورزان کچله د و مورد حق زمین خود (ود ربیماری موارد بینتر
به آنها دادن) کاهش اجاره و برق و دیگر قیمتها، به کار کاران هزاران کارگر بیکاره کار ملختن
بیمارستانها، جاده ها، مدارس و غیره، ایجاد یک برنامه وسیع سولاد آموزی و دیگر تدبیهای که
بسیاری از بارها را از دش توده ها برد لشته و این فرمت را به آنل داد که شور و ذوق خود را برابی
تغییر به بوته عمل بگذارند. بسیاری مثقال ایده حرکت بسیو سوسیالیسم بودند.

ولی سوسیالیسم تنها نه یک ایده، و نه صرفاً حرف، و نه فقط تصرف دولتی است. مو-
سیالیسم یک انقلاب اجتماعیست، یک انقلاب در روابط طبقات بطوریکه طبقه کلر صاحب همه چیز تنها در
شوری نیست، بلکه همچنین در عمل صاحب واقعی توطید و جامعه، از طرق رهبری حزب مارکیسم-
لنینیست خود و حاکیت سیاسی طبقه کارگر- دیکاتو روی برطنزاری است. براین اسلسل طبقه کارگر
میتواند مبارزات مکرر و موق برعایت بورژوازی را رهبری کند و در پروسه قادر است که خود و شرایط ملادی
را تغییر داده، تا بتواند بدین طریق از شر همه طبقات خلامنشد.

این راه کاسترو و نیز اطرافیاتش علی رغم همه لفاظی های مخالفت آمیزان نیست. آنها بر طبقه
شرایط نوستمراه و نیمه لاید ال کوپلی قدمی شویش کرده بودند، لی موضع و دیدگاه خود و جعل طبقه
شان که بلطف ارتقا هنور برای یک تغییر سریع و لاید یکال در مؤسیات آنها شده بود، همچنین بلطف
ارتقا، جاه طلبی آنان برای حفظ و تحکم ساخت مثار آنان ماوراء توده هی کارگران و دهقانان
گردید. اینرا فقط سرمایه داری می توانست به آنها بدهد. همین نظریه طبقاتی بلغت تسلیم و
هر لسان آنان از مبارزه سخت طبقاتی و کار سخت راز مندی که بمعنی حاکمیت برطنزاری و تغییر
شکل واقعی کوای بود، گردید. در حالیکه روش نکران خوده بورژوازی متفر از سرمایه داری سرمایه داری
بودند، مخصوصاً آنطوریکه آنان را سرکوب کرده بود، آنها خواست تغییر تقسیم کار جامعه که آنها
را ماوراء توده ها قرار داده بود تا آزاد بجای اینکه مانند بردگان مزدور کار کنند به توسعه تحملشان

پهود از ند را نداشتند.

در سالهای اول بدنبال انقلاب موضع و دیدگاه طبقه‌ی شان در پیکه خطمنی می‌باشد این بیان گردیده بود. این خط آرزوی روشنگران انقلاب خوده بسیار از رهبری دیدن پله دنبال بدوف ستم خمکس می‌کرد. لاما این همچنین خمکس‌گنده تحریر و ترسان از طبقه کارگر بخنوان تنها نیروی درجا ممکن که فاد ربه رهبری پروسه تغییر شکل جهان است، بهتر بود. این به اصطلاح "خطکو با" خمکس‌گنده بی پروا ای خوده بسیار از درخواستش برای "جامسمه" ایده‌ال "سرعت و بدون مبارزه طبقات مخصوصاً بدون دیکا توری برولتاری بود. رهبران کو با طوری صحبت می‌کردند که گوها کوئی در کارشان بود و مثل اینکه طبقات بسطور ساده با سلب ما لکیت‌خموص محو شده بودند.

در حقیقت سوابیلیم تخیل شک او لیه ای که دیدگاه جهان ایده‌آلیست در میان رهبری کو با بوجود آورد، این است که ملختمان سوابیلیم بستگی به وهمه ای "بانکر و شن" بسا منافع توده‌ها در قلبشان دارد. رهبران کو با که خودشان را بعنوان روشنگر ترین "ناجیان" توده‌ها در تعلم طول تاریخی پنداشتند، معتقد به داشتن توافقی در تمییز آرزوها بین ای جمله بودند در حقیقت سوابیلیم مردم با اتفاقات انقلاب از خوده بسیاری در این کشور و در سراسر جهان که خواهان پله جامسمه بهتر بودند، خواستار تعلم این خط مشی شدند و لی در دید با رهبری کو با از طبقه کارگر مشترک بودند.

همان خط میان "چهار" که از ایده‌آلیم خوده بسیاری بسط شد از گرفت در فعالیت‌های رهبری کو با در امور بین‌الملل آشکار شده بود. آنها به اصطلاح "ثوری کانون چند یک" را در مبارزه در روسنا توسمه دادند حصل کردن بعنوان "جا شنی انجلیس" بسیار تیزه‌ها که از آنها الهیام گرفته و بخودی خود بیان خواسته و با سرنگونی رفع ندیدن "چریلیز" تهرمان را بقدرت برداشتند.

این برخلاف تجربه هر انقلاب مطلق کوئیست است که تکه بر مبارزه آگاه و منشک توده‌ها دارد. برای مثال در چین این بحثی جنگ توده ای بود: بسیج دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر، ایجاد مناطق پایگاهی در روستا ویربا کردن پله جنگ طولانی. و تبکه چه گوارا می‌شون در حصل گذشت "تیوری کانون چریکی" در بطبیعتی کرد او کشته شده و تعلم علیمات با پله شکست کامل



که چه تلاش‌های امیر بالمستهای آمریکا در دویاه بینک آوردن گویا در عملیات خلیج خوبکها در سال ۱۹۶۱ (Boyce Bay) باشکست متفحصانه ای مولیه شد ولی آنها اینکه روزی دویاه گویا را برای خود به تصرف در آورند را از دست نداده اند . در اینجا بزرگداشت کندی بیرونی متفحص را که بوسیله آمریکا حمایت و مشکل نده است در نهایت مسابقه نوبتیان سال ۱۹۶۲ در میانی را دریافت میکند . او قتل داد تا "بیژن را در هواوانا آزاد به گرو باز کرداند" .

مردم نه چیزهاه تعیین کنده اند

از زیر خط سیامی " چپ " خرد، بورزویاری و بیرونیم آشنازی بیشتر و بیشتر ظاهر گشت . در معرفی سیمیج و لاتکا به طبقه کارگر برای تغییر واقعی روابط طبقاتی که در کوبا موجود بود، برای محو اقتصاد بیمار گفته کوبا که خارت امپرالیسم پس وجود آورد بود و پر این احساس توسعه نیروهای مسلطه، رهبران کوبا بدنبال چیزی بجای تعریف رسانیده ها و بیازه طبقاتی بودند . ملک رفم لفاظ های ساختن " انسان جدید " آنها بیشتر و بیشتر خطمنی خود را پر جنای خطمنی مشترک بین همه روزی بیستها بنا نهادند ، که چیزهاه مردم تعیین کننده اند که بخاطر تفسیران از پربروی سوسیالیسم در کوبا ، طرفیت تولیدی [مانشین آلات] باید از خارج بدست آید . دیدگاه طبقاتی شان این اطیبان را بوجود آورد که آنها هرگز قادر به درک این نیستند که اتفاقیان کردن روابط تولیدی کلید توسعه نیرو های مولده است . هنوز آنها این را کثیر نمیشنند که به گفته مارکس " بزرگترین نیروی تولید کننده خود طبقه انتقلابی است " . بجالی مبارزه آنها همان توده ها رهبران کوبا بجهت جنگی خرد سوسیالیسم بوسیله " گروک اشنون اقتصاد بشور و بودند .

لذین گفت: " واضح است که برای محو کامل طبقات باید نه تنها استثمار گران یعنی ملاکین و سرمایه داران را مرتکون ساخت و نه تنها مالکیت آنها را لغو نمود بلکه باید هرگونه مالکیت خصوصی بر و سلال تولید را نیز ملکی ساخت و هم فرق بین شهر و ده و هم فرق بین تفراد متعلق به کار جنسی و افراد متعلق به کار نکری را ازین برد . این کاری است بس طولانی " . (بستاندار عظیم) این خطمنی طبقه کارگر در ساختن سوسیالیسم و ادامه انتقال برای رسیدن به کوئیم است . در کوبا مسلماً این به معنای بسیج کارگران برای ازین برد تنقیم کار که از جامعه نیمه مستحمره تدبیح به ارت و سهد " بود . این مخصوصاً به معنای تغییر دادن سازمان جزیره است . کسے تقریباً تنها به قصد تولید شکر برای بازار جهانی امپرالیسم خدمتی کرد . اما رهبران کوبا بخاطر موضع و دیدگاه خرد، بورزویاریشن این راه را رد کردند . کاسترو گفت که مشکل اصلی در برابر انقلاب این بود که چگونه " خراواتی لام را برای کوئیم تولید کرد " . (منظور تولید کالا است) برای او بین معنی است : تجارت شکر برای بدست آوردن

وسایل تولید و داشتین آلات که او احتملش بود طبقه کارگر هر آن قادره به تولید آن با اینکا بزرگ شد
هالی خواه. نه بلند . و برای تعطی این امر نخست رهبران کوبا بنامه اسas روابط قدیمی تولید
با قدری تغییر شکر، - تقسیم کل جامه، و مزارع شکوش - کارکدن با حد اکثر سرعت برای تولید کا لا
بعضیو شریش و کسب این نیوت بود، «آنکن خرد ارو و تهیه کنده» . دیگرنه آمریکا ، بالکه شریش بود.
زمینکه این خط همی تبلیق یافت [مناور تطبیق این خط همی بر سیستم اقتصادی جامه است]
اشتیاق ترده ها برای تغییر جامعه قدمی بمراتب محرف شده بود ، بطوریکه نفس طبیه کارگر بجهانی
تغییر دادن لقلابی جامعه به صفت کارکدن برای فرهنگ نمیدن بول نقد لازم کاهش یافته بود .
به این ترتیب روا بط اصلی تولید صرمایه داری با ولسته کردن طبقه کارگر به تولید برای مزد ، حفظ
و تقویت گردید . بجا ای یك جامعه سوسیالیستی جدیده که نیسم که مهل است ، این در این
مدان جامعه قدمی بـ اربلان جدیده بود . نتش کارگران صفت کارکدن بود . راهبران کو با
بیشتر و بیشتر صرمایه داران بورکرات دولتی ولسته به پل قدرت امپریالیستی خواهی نمذد .

حتی التهاب و آزوی اتفاقابی مردم کوبا برای حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی
بسخوان نموده حمایت آنان از مردم ویتنام بخلاف حمایت از ملبراها شهروی دو خارج بوطیه
ریشه آمریکائیش مانند جریان بنکلاش و آنکلا برگز آنیده شد .

از زمانیکه راه اصلی سیاسی برای خرد "سوسیالیسم" پس ای اندکا و بیچن مبارزه طبقاتی
طبیه کارگر و ترده ها که بنتهان تادریه تغییر اتفاقابی جامعه بسندند در پیش گرفته شدند ،
سیاست اساسی اقتصادی رویزونیستی کوبا با همان اطمینانی که شب بد نبال روزی آید دنبال
گردید . بول ندی که کاسترو جستجوی کرد تنها با خفت و تقویت انتقام نیمه مستمره بسیار
ناهرزی که در وحله اول به انقلاب کو با منتهی شد بزد میتوانست کمب گردد . تولید شکر بعثتی
نریش به شهروی با یه سیاست اقتصادی کوبا شد که تلم نفعه های بسیار نیوتمند شد ، تلم اعلانیه
ها و حیله های "صریح الیستی" به آن طبته و خدمتی کردند . و این ولستی اقتصادی دوچون
باشه ای برلنی تووجه بیشتر خطفشی سیاسی رهبری کو باشد .

پاکه پوسته از سکر و سوی ایستاده از

شکر برای کوبای یک مصیت بوده است. آمریکا برای به تسلط در آوردن کوباه از کشل خود بربازار شکر استفاده کرده بود. بمنظور نگهداری این مردم در تندستی و بیجهزی، اربابان کوبانی و آمریکانی سعی کرده بودند که از کشت غلات در زمینهای با پر نویسندگان جلوگیری کنند، تا مردم بدون هیچ چاره دیگری زمینهای شکر کار کنند. اربابان شکر تمام جزیره را برای تولید شکر بمنظور صدور لخته امندادند، در حالیکه این کشور حاصلخیز، نطفه گرم سیر بدانجا رسید که می بایستی بسیاری از مواد غذایی را وارد کند. این پر متلاعنه ترین برنامه برای زمینداران و امیرها - لیستهای بود. به علت گرانی خدا اکثرت کارگران و دعقاتان کوبانی تبا بروج، سبوبات و نش کیا می خوردند.

در چند سال اول انقلاب همچنانه زمین و مهتر از همه کسانیکه بر روی آن کار می کردند، شروع به رسانی از این میثم نمودند، محصولات متوجه گشتند و در حالیکه با قیمت زمینها برای محصولات دیگر مرد استفاده قرار می گرفتند تولید شکر نیز در محلهای سابق ادامه یافت. این سالها بین - بین بهبود را در صطعه زندگی تولد ها دربر داشت، همچنانکه زحمتکشان و منبع معدنی که بیرون از نگاه داشته شده بودند از اراده گشته، بعضی از صنایع توسعه یافته و ساخته شده مدارس، بیمارستانهای و طرحهای دیگر آغاز شد.

در اوائل سالهای ۶۰ آمریکا بزار سابق شکر کوبای را بست، اما شوروی و چین با خریدها - پیشان کنک نمودند تا کربا از این وضع بفرنگ [ترکم شکر] نجات یابد. در اوائل سال ۱۹۶۳ با - شروع اختلال در پیشرفت اقتصاد و ظاهر شدن کبودها، کاسترو برای مذاکره با خوشبین و سایر رهبران شوروی بدانجا رفت. زمانیکه او برگشت یک برنامه جدید داشت، در عین متوجه کردن کناروزی کوبای شکر بیشتری تولید خواهد کرد.

دو قیصر گسل شوروی

تا آن زمان کوبای تا حدودی از کنورهای دیگر قرض کرده بود. شوروی پیشنهاد تابل

ملاحظه ای برای افزایش و امها به کو با و خرید تا پنج میلیون تن شکر کو با در سال - بیشتر از مقداری که کشور در حال تولیدش بود - و به بهای بالاتر از قیمت بازار جهانی در آن زمان کرد ها کو با قادر به کالا از شوروی گردد ؟ شکر للا ب و "کک" طمعه بود - و رهبران کو با آنرا بلعیدند .

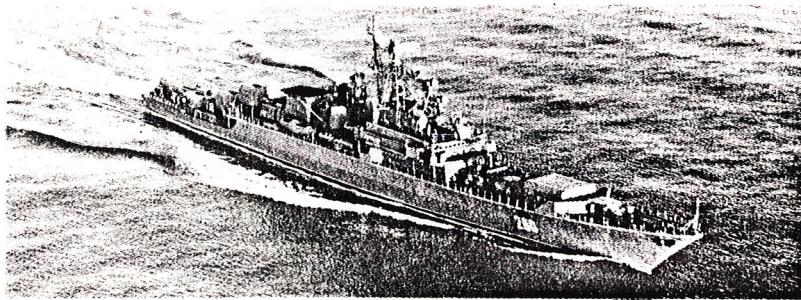
برای رهبران شوروی این ممامله خوبی بود . با براند اشن حاکم طبق کارگر در شوروی این سرمایه داران جدید بطور روبه افزایشی با قوانین امپریالیستی حرکت می کردند : نیاز به منحصر کرد . ن متایع مواد خام، برای صدور سرمایه بمنظور کسب سود فوق العاده و سفره با رقبای امپریالیست برای نسلطه بر جهان . آنها در بالتفت که با متعمل کردن کو با به زنجیره امپریالیشن قادر خواهند بود در طول سالها صود سرشاری از کو با خارج کرد و از کو با بعنوان یک ابزار سهاسی - نظامی در متیز با رقبای آمریکانیان استفاده کنند .

مانند هر فروشنده خوب مواد مخدر، شوروی این نمونه ها را به قیمت ارزان داد . در چند سال اول "کک" و امها بدین بهره بوده بعد آنها شروع به مطالبه بهره ۲/۰٪ کردند . میزان سود واقعی آنها خیلی بیشتر از این بود . در توانی اصلی ۸٪ اختبار و بول شوروی میباشد صرف خرید محصولات شوروی با قیمتی بسیار بالا گردد . (در ارتباط با نرخهای بهره هزمانیکه وابستگی کو با تحکم یافت شوروی دسترس را رو کرد و خواستار صرف تمام اختبار بر روی محصولات خود گردید) . با توجه به یک مولف که دسترسی به آمارهای کو با داشت شوروی برای ماشین آلات مشابه ساخته توسیع غرب ۱۱٪ تا ۳۵٪ قیمت بیشتری مطالبه می کرده است اما برای حقیقت بیشتر ظالمانه کردن این دزدی اگرچه روسها در اوایل برای شکر کو با بیشتر از قیمت بازار جهانی آن زمان می برد اختند ، (حتیاً حدس زده اید) این عمل را نیز متوقف ساختند) آنها نفس واسطه را بعده گرفته بیشتر این شکر را با قیمتی هنیت بالا تر به کشورهای اروپا شرقی فروختند .

این یک عمل متدائل شوروی در سراسر دنیا است . "کشور شوروی از طریق میاد له نا متساوی است که ارزش اخنا فی تولید شده توسط صدور سرمایه اش را بجایی زند . در واقع این عمل بیشتر از یک محاسبه حسابداری است که برگفتن سود به شوروی به فرم بهره یا بضم سود فوق العاده از فروشها باشد آنهم زمانیکه فروشن: بوسیله موافق نامه بازرگانی به صدور سرمایه وابسته است " . (از یاد اشتباای سین شماره هفت چکنده سرمایه داری در روسیه احیا شد و این برای بارزه جهانی چه معناست ناگفید از نسخه اصلی است) .



در سال ۱۹۶۰ برای در هم شکستن سلطه امریکا بجزیره کوبانیها دست به یک میخ ملی سازی بر طیه املاک شرکت‌های امریکائی زدند . تصور بالا پرچمها یک کارخانه جنرال الکتریک را پوشانده اند .



کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌های روسی که مرتبأ به کو با خوانده میشوند جانیک روسها در آن دارای تاسیسات دریائی مطمئن در نیکو غربی هستند . استفاده از کو با معنوان یک پایگاه دریائی در دریای کارائیب برای مدت‌ها کار امپرالیستی‌های امریکا بوده است . آنها که هنوز هم "مالک " قسمی سرزمین کو با هستند پایگاه کوانتانابو به متابعه مرکز ناواگان امریکا در دریای کارائیب است .

لما شو روی دارای جله حلبي هاي بسيار بزرگتری از تهها تسلط بر کوبا را دارد . مانند هم
قدرتهاي لبراليستي که اشتهاي آنان بطور مدام رشد يافته و آنها در جستجوی تسلط بر دنيا هستند
برای رو سها کوبا نمایندگی "سرمایه" سیاست عظیمی برای رخنه ~~دیگر~~ کشورهای آمریکای لاتین در سرا
- سر دنیا بوسیله پنهان شدن در پیشتن قتاب "انتلاین" کوبا را کرده است . بخاطر اهمیت فوق
العاده در بدست آوردن يك پایکه در آمریکای لاتین و با امیدهای هرچه بیشتر استفاده شهاده
(وحی نظری) کردن لوز کوبا به منظور جاریه با آمریکا برای هزونی حیانی ، روسها . مایل بودند
که با کوبا یعنی "ملامه" بهتری از دیگر کشورهای تحت سلطه شان انجام دهند .

اتکا بی خود میباشد "مناسب" نیست

استدلال رهبری کوبا برای گروگاذ اشتن کشور شان به شو روی اینجنبین بود : کوبا دارای مزارع
رسوی و کارخانه های شکر و بعلاوه زینهای دست تغییرده بود و نسبتاً چند کارخانه ~~میگ~~ معدن
نا مرغوب و امکانات کی برای تولید فولاد داشت . کشت شکر و فروش آن به بازار بین المللی بسیار برق
- منفعت بود ، با توجه به این موضوع که متوجه کردن کشاورزی و صنعتی ساختن اهمیت و کران تمام -
خواهد شد .

همچنانکه کامپو و در یک سخنرانی توپیخ داد " بشظیر خود کنای در برج ... ما مجبور
خواهیم شد که ۳۳،۰۰۰ جریب بیشتر از زینهای تحت آبواری استفاده کم و ذخیره اندک آب خود
را برای آنها مصرف کنم ... بدین شک این برای کشیر ما مفید نخواهد بود که تولید يك و نهم میلیون
تن شکر را متوقف کنم ، این همان مقداری است که قادر به تولید آن بروی ۳۳،۰۰۰ جریب از
زمین آبیاری شده تحت کشت نیشکر هستم و این قدر تخریب مارا تا بیش از ۱۵۰ میلیون دلار از خان
افزایش خواهد داد ، بجای کوشش بکسان برای تولید روی این زمین برج ۲۵ میلیون دلار ارزش داشت ؟
چرا بجای تولید برج نیشکر کشت نکنم و بدل را برای خرید برج مصرف ننمایم و تازه يك جهیزی هم
اخاه نیازم ؟ اینست جریانی که دولت باشد آنرا دنبال کرد . در سال ۱۹۶۴ کوبا تصمیم به
افزایش تولید سالیانه نیشکر از ۳/۹ میلیون تن به ۱۰ میلیون تن سال ۱۹۷۰ گرفت .
قطع این جریان از لحاظ اقتصادی منطقی بمنظوری وسید - بسیار " مناسب " - المقهه بربنای
اقتصاد سرمایه داری .

این تضمیم برای توسعه کوپا - از طریق وابستگی یکجانبه برای همیشه با توجه به آنچه ذری
که بالاترین سود رسانی را داشته باشد عیناً همان برنامه ای بود که امبریالیستها آمریکانی پیمانه
کرده بودند. این مشخصاً ممیت بار بود، زیرا که کوپا در تولید ده میلیون تن شکر با نشکست: مواجه
نمود، حتی اگر این مقصود نتوغ جسته بود، تائیرا صامی بر ساختمان اعتمادی - و وابستگی اش به
امبریالیسم - نمی گذشت و به عنوان شکل ساخت باقی می ماند. و در اینجا بطور حتم نشکر برو -
بنخست تر از توسعه صنایع در کوپا می باشد - در نیز این صورت امبریالیستها ای امریکانی کوپا را از
مدتها پیش صفتی کرد و بودند هنوز در چندین سال گذشته زمانیکه قیمت‌های بسیار بالای بازار شکر
به کوپا این اجازه را داد تا مقداری سود از تجارت خارجی اش کسب کند "اقتصاد انان" هنوز دو
باره سرمایه کذاری را در صنعت شکر حتی بیشتر و پر منفعت، تر توجه می کردند.

بنده نصیحت در ای مستثرو کار

در نکته سال ۱۹۲۵ حرب کاسترو صحبت می کرد "میزان سود آوری" کوپا در کوپا برای
مالکها ناشناخته بوده است. در حقیقت تضمیم برای توسعه تولید شکرستان داد که از همان ابتداء
استراتژی دولت و برای ساختن "سویاالیسم" بر اساس سود آوری بود. این یک اشتباه نبود. این
بلکه تضمیم کیمی طباقی بود یک قدم اساسی سیاسی که تضمیم گرفت کوپا چه راهی را باید طی کند و
پنهانی باید از آن ببره مسد شوند.

حتی در سویاالیسم طبقه کارگر باید "سود آوری" را در نظر گیرد و مسند در ریشه چارچوب
اقتصادی نمکنند که روابط تولیدی گذشته سرمایه داری است، باقی می ماند. بطور ساده این
بدین معناست که طبقه کارگر از طریق دولت باید هزینه بولی که صرف بیمهها (مزدها) قیمت مواد خل
و غیره) - می شود و قیمتی که کالاهای تولید شده بدوشی رستند را در مرود نظر قرار دهد. بطور کو
قیمتها باید هزینه ها و سود فوق العاده را تولید کنند. اما هدف تولید در سویاالیسم بسیار نیست.

۳ در اوائل سال ۱۹۲۶ قیمت‌های بازار شکر ناگهان نزول کرد و قیمت بجهانی از هر بیندی به ۶۰/۵ به
۵/۲ سنت (روسها فرادادی برای خرید آن بقیمت ۳ سنت بسته بودند) کاهش یافت. مستثرو اعلام کرد
این بعثت بیشتر کنست نیشکر بمنظور لریزی بخای خواهد بود و کوپا نیها باید از چهار اوقی قبیه ای
هم که تحت بیمه بندی مجاز به خرید آن بودند صرف نظر کنند تا قبیه بیشتر به خای خارج کردد.

در سوابیوم این خصوصیات طبیه کارگر است - تصمیمات آنها او از طریق حزب و دولتش -
که سیاست اقتصادی و برنامه براى چه و چگونگی تولید را تعین میکند . اساساً برنامه برمنای در نظر
گرفتن مقولات مادی در جامعه (کارگران، مالکین الات مسجده، مواد خلیم، وغیره) که احتیاجات جامعه
را بر طرف سازد - غذا، بوشان، مدارس پاکخانه های جدید، وغیره می باشد . هدف اساسی طبیه کارگر از
تشخیص میزان صود این است که بتواند به مبارزه سیاسی بر با کند تا آن را [میزان صود] محصور و
حدود کرده و دست آخربکلی از شر آن خلاص شود . اقتصاد را برایه " میزان صود آوری " بنانهادن
سرمایه داری است نه سوابیوم .

طبیه کارگر نه میتواند سوابیوم را بر جنای اثکا به که خارجی و نه تجارت بنا نهاد، حالا هر
چند رم خواستار آن باشد . این به دلیل اینست که هدف از کوئیس و جامعه بدون طبیه صرفاً
مسئله فراوانی نیست . لاما این دقیقاً شکلی است که کاسترو آن را به توده ها توضیح داد، که مثل
اینکه کوئیس فقط عده سرخون اوقات بهتری می باشد . طبیه کارگر براى آزادی خود باید رهبری
توده های مردم را در تغییر شکل خرابط هر کشوری بدمت کرده، اساساً مادی و لجنتی می تضادهای
طبقانی را محو کند و توده را بر جنای جملن بینی بر طبقه تعلم دهد تا هر کسیک کارگر شود
(چرا که) کارگران فرمانروایان آنکه تولید در هر زاویه جامعه مستند . تها بر آن اساس است که
طبقات محو و کوئیس پریز خواهد شد .

اثکا به نهروی خود، از بند رهاییدن، سازندگی و اثکا به قدرت خلائق توده ها در هر کشور
تهما راهی است که طبیه کارگر میتواند تجویه های انتقاماری و ابتلای سرمایه داری را خرد کند .

متوجه نکردن کشاورزی

کو با نمی توانست شکر را با خایع کردن آن در مزارع هدر دهد، یا در صورت تو انانی استفاده
ده از آنرا بمنظور خرید بعضی واردات فراموش کند . ولی مخصوصاً بخاطر اینکه نه فقط کشاورزی کو با
بلکه تعلی اقتصادش تحت بطاطه شکر قرار گرفته بود، جبیز . بود متوجه کردن محصولات کشاورزی ایش را
بعنوان تها رله برای گریختن از این ساختمان استعماری نوبنگزند .

در یک سوتی که اصل اساسی علم تصمیمات برمنای احتیاجات جامعه و نه صود است،
تفذیه و تنذیه خوب مردم هدف اصلی می باشد . این حقیقت که صود آوری شکر همیشه دیگر محصولات

کشاورزی (خانه‌ای) را با سودآوری کتریه نهاری زده است، سبب این شده که غذاهای اصلی برای توده
— ها بسیار کران و کباب تمام شود.

علاوه بر اینکه کشاورزی تبع و توسعه باید، کوبا هرگز نمی‌توانست با یه ای برای صنعتی شدن
کامل داشته باشد، نه در مواد خام از کشاورزی (چراکه کوبا هنوز بقدار زیاد به واردات وابسته
است) و نه در توسعه بازار برای مانع آلات و کالاهای مصرفی.

کاسترو استدلال می‌کرد که بسیار ارزانتر است تراکتور از شوروی وارد گردد، جایگه کار—
خانه‌ها می‌توانند میلیونها از آنها را بیرون دهند تا در کوبا نارخانه ساخته شود که لحتیاج چند—
انی به آن مقدار تراکتور ندارد. اما بازم این انتقاد سرمایه داری است. اگر کوبا صنعتی
را توسعه نداده اگرچه این ممکن است در کوتله مدت "موزتر" باشد اما بعد در دراز مدت
همینه به کالاهای ساخته شده ورداتی وابسته خواهد بود.

با تامین کوبا از طریق "مک سناوندنده" و با تشویق وی بر هر چه بیشتر افزایش تولید
شکر، شوروی دفیناً دمان کاری را میکرد که امریکا انجلم داده بود — تکمیل عقب مانده تین چنیه
اقتصاد کوبا — وابستگی این به تولید شکر. این بعنای بازسازی شکل جدید برای محظای قبلي
بود — صدور سرمایه به مستعمره و وابستگی مستعمراتی به "کشور مادر" امیرالبیستی. این محظیان
بدین معنا بود که رهبران کوبا با اداره کوبا تحت پنین شرایطی بسرعت تبدیل به اربابان شکر،
و سرمایه داران وابسته شدند.

تصمیم در مورد شکر سناوندنده اشتباہی از جانب رهبری کوبا نبود. تجربه و نمونه تعلم ساختن این
سویاپلیسم بعلاوه تجربه یمن و آلبانی در زمان انقلاب کوبا نمونه‌های غیر قابل اشتباہی را از اختلاف
بین راه سویاپلیسم و سرمایه داری در مورد مسئله توسعه اقتصادی بدست داد.

خروجی که رهبری بنیانگذاری حاکمیت یک جبهه استعمارگر جدید را بعد از مرگ استالین
در شوروی بهمده داشت، معنی کرد که حاکمیت طبیه کارگر را در یمن و آلبانی برانداخته و —
بسیله بیرون آوردند تکیسینهای روسی و برنامه‌های کار و قطع تدارکات مهم بدفن افلاغ و آن
کشورها را بزر چنگال خود در بیاورد.

آنها در حین اینکه به آلبانی محاصره اقتصادی تحمیل می کردند، منزاع اعمال اندامات شدیدتری را تهدید می نمودند. علی رغم این حقیقت که هر دو این کشورها بسیار فتیر بودند و این حقیقت که چنین در میان شورای قرار دارد و آلبانی کوبک بوسیله دولتهای مختلف محاصره شده است، طبقه کارگر این کشورها حد اکثر سعی خود را در توسعه آنها [چن و آلبانی] بر بنای اصل خود کفایی و اثنا که به نیروی خود انجام دادند و آنها توانستند که در برابر تهاب جم خروجی فنه آنها بدون رحمت هم نبود، مقاومت کنند.

رهبری کوبا انتقام ادعا می کرد که محاصره [کما توسط آمریکا] خطر تصرف و کبود ذخیره بعضی از مخابح حیاتی آنها را وادار کرده که در پیله شوروی قرار گیرند. اما علی رغم هرمانع واقعی که در ساختن سوپرایلس حقوقی در کوبا وجود داشت، آنها [موانع] بقیانی بیشتر از شرایطی که کشورهای واقعی سوپرایلسی با آن مواجه بودند نبود. برای نموده مهمترین منبع کوبلخود [طبقه کارگر] بسیار وسیعتر از آن طبقه کارگر در آلبانی بود.

در حقیقت محاصره [محاصره اقتصادی کوبا توسط آمریکا] خیلی بیشتر از آنکه توجیهی برای منکر شدن به شوروی باشد دلیل دیگری برای اثنا که به نیروی خود بود: برای ابتناب از خطر اختناق اقتصاد نی تواند بر پایه این فرض که کشتیها همیشه قادر به رسیدن با کوبا خواهند بود بنا گردد. شوروی برای ادای سهمش بر علیه آمریکا وقتیکه با منافعمند و فقی داد مخالفت کرد و حتی از کوبا استفاده کرد تا چند پنجه بیشتر به صورت امپریالیستی‌های آمریکائی بکشد اما همانطور که بحران موشکی کوبا [مربوط به جریان بحران موشکی‌ای ائمی است که در سال ۱۹۶۲ بین آمریکا و کوبا و - شوروی پنج داد] ثابت گردد آنها کامل خواهان آن بودند تا از کوبا بعنوان کروگان اگر ضامن بیشتر فتشان است در معامله با آمریکا استفاده کنند و همانطور که پیشرفت‌های امیرنشان داد "حمایت" نظامی شوروی مانند "کک" و تجارت شوروی بمعنی حمایت شوروی از مایلکن و بایان استقلال کوبا بود.

مسنا جمهور چن و کوبا

پک حادنه در سال ۱۹۶۱ بین دولتهای کوبا و چین نشان می دهد که چقدر سریع رهبران کوبا به سازنیری جاده وابستگی نوستماراتی حرکت می کردند و تا چه اندیزه علی رغم همه لفاظی‌های انقلابیشان سیاستهای آنها بظیر روبه افزایشی بوسیله قوانین سرمایه داری دیکته می شد. چین

میزان صدور برنجن را با کوبا در سال ۱۹۱۵ بر طبق تقاضای دولت کوبا دو برابر کرد^ه بود، اما نتیجه دولت کوبا تقاضای حفظ همان مطعح [صدور برنج] را برای هبته کرد، دولت چین با طرح اینکه آنها خواهان گفتگو در این مورد هستند ولی چند اهراض جدی هم دارند^ج با این مسئله پاسخ داد^ج! تجارت و کک چین اساساً متفاوت با کک و تجارت رویزبومیتها شوروی نه بلطف توافق دادم است. نک چین یعنی سرمایه کذاری نیست. از آنجانیکه چین توسط طبیعت کارکر و نه بوروزاری و هبری می شودند و تجارت چین در خدمت "میزان سودآوری" قرار نمی بود بلکه در خدمت صلح‌تهاي برولتاريا و بر اساس منافع برابر و دو طرفه است.

دولت کوبا پیشنهاد کرد تا آن محولة افزایش یافته برنج را با شکر بدلخت نماید و اذر چنینها به این طلاقه مند نیستند آبولی که چین برای متوجه کوئن اقتصاد کوبا به وی وام داده بود، بدلخت خواهد کرد^ج. چین پاسخ دارد که هر قدر هم شکر هم بهما با بول باشد، آنها به آن مقدار زیاد هنتر لحتیاج نداشتند^ج در صورتیکه آنها حتیاج به برنج هستند. این لحتیاج نه تنها برای مصرف خودشان و مهیا کردن یک ذخیره در حنکام جنگ بود (چین لخیرا از طرف هند که بوسیله آمریکا و شوروی مسلح و حایاتی مسدود حمله قرار گرفته بود) بلکه همچنین وستام را نیز که در آن هنکام در جنگ با لمبریالیتهاي امریکائی بود تامین کند.

تجربه تلح خود بین قبل و بعد از آزادی ایران^ج آموخت که ولیستکي اقتصادي که یك سد منک و مبارستگنی بر دون توده ها است پوشی است آن انقلاب باید بدان بایان بخشد. حتی زماتیکه محولة های برنج چین دو برابر شد، جبیره برنج مردم کوبا منزیلکسان باقی مانده بود زیرا که دولت کوبا در حال از بین بردن مزارع برنج برای کشت نیستکر بود - از آنجانیکه برنج به اندازه شکر بر طبق لصل سودآوری "مناسب" نبود. کک چنینها به مفہم یاری به کوبا برای وهای از زنجیرهای شکر بود. خرید برنج با آن [شکر] اغفال این وضعیت را خشم ترمی کرد.

پاسخ کاسترو این بود که از موقعیت کفار اسره‌ها و انانا که در آن بعضی از انقلابیون از افریقا، آسیا و آمریکای لاتین شرکت کرده بودند، استفاده کرده و آنکارا چین را بخاراطر "معرف اقتصادی" مورد حمله قرار دهد. آنها او همچنین تهمتهاي منزجر کننده شخصی به مانوشه دون وارد ساخت و خواستار تمو - یعنی از مقامش شد^ج، در زمینه حلقات خود شوری به چین و بلیمکیایی که در آن زمان بین لهزاب دو کنیز بر سر خط‌مشی کلی چنین کهونیستی بین المللی جریان داشت^ج این حمله کاسترو را بخصوص در موقعیت خوبی با طلبکاران روسی لش قرار داد - بلکه نموده واقعاً منزجر کننده از اینکه چطور "میزان سودآوری" بر

سیاستهای کوبا حکومت مینکند.

مالی کردن - به چه مسند ؟

ابته این طبقی نبود که کاسترو آن را بیان کرد . هر قدمی که دولت بود اشتهر اقدامی که - دولت انجام داد برای تولد ها بعنوان یک قلم بطرف " سوسیالیزم " و حتی بهتر بطرف " کوئیسم " توضیح داده شد . اما هر ملو کودن جدید هر " تهیم انقلابی " جدیدی پر فرست جدیدی که بد تولد ها داده میشد تا اشتیاق انقلابیان را بیزد دهنده در حقیقت بوسیله " میزان سودآوری " و منافع طبقاتی رهبران کوبا هدایت میشد .

در سال ۱۹۶۳ هیئت ملی بعد از دیدار کاسترو از سوری و اخنا قرارداد شکر کاسترو اعلام کرد که خلاصه بر املک و سیع و دارایی اپیباپتیهای آمریکانی که قبل ابتصرف درآمده بود اکنون زیرنها -ی کشاورزان متوسطنیز باید ضبط کردد . این [توانی] بر کشتکاران با ۱۱۰ نا ۱۹۰ جوب - ریشم رفته در حدود ۱۰۰۰۰ نشاور و خانوار شان - تاثیر گذاشت و آنها بوسیله کاسترو متهم به " کارشکنی در تولید شکر " و نک که به سیا [CIA] نشاند]

اینها مطمئناً دهقانان فقیر نبودند و نیشنده در مبارزه برای تغییر نم [روابط تولید] کوبا به آتش نکیه کرد چراکه آنها نیز خودشان استقرار گردیدند . با اینحال بسیاری از این کشاورزان از انقلاب ۱۹۵۹ حمایت کردند زیراکه آنها بوسیله کشاورزی ای ای بزرگ شکر پشتد محدود شده بودند .
ما دقتاً نمیتوانیم بذوئم که چه سیاستی نسبت به این کشتکاران صحیح بوده است . نکه اصل لزینیست که آیا سیاست منسخ اشتباه یا صحیح بوده است یا که درین مورد خطمنی صحیح باشد ، ابتدا ملت که مهلك بناشند میتوانند تصمیم گردند . نتنه مهم این است که برای دولت کو با این سیاست به پیروی بگیری بونیای اینکه چگونه کشاورزی سوسیالیستی را توسعه دهد نبود . این حتی مسئله سفعی از انقلاب هم نبود . برای آنها این سلب مالکیت کامل تبلوری از سیاست کلی شان بود : فدا کردن همه بیوز بمنظور تابع نبودن حد انتقالی از زمین بکار خانه ها ، شکر و بیمار آوردن نیشکر از لوزانترین راه ممکن .

هیسن خط دقتاً - با شدت هر چه بیشتر بسوی تبدیل کشور به یک تولید کننده ملکی شکر - زمانیکه در مورد صدها هزار زارع نقره نیز اعمال شد متفاوت از آب درآمد . این دهقانان بعنوان مردمی که بیشترین مندار مواد غذایی نوبا را کشت میکردند یعنی نیروی مهندس با پتانسیل در توجه اعتماد

بطریق سوسیالیسم بودند . ولی سیاست‌کلی دولت بر این نبود که آنها را بسوی تلکوپرزاپین [اشترکی‌کردن]^{۱۴} دارطلبانه زمین و کارخانه رهبری نکد .

اشترکی نکردن

اما آنها را به حال خود رها کرد . بعضی از کسب و کار افتادند و قسمی از مزارع دو لتی شدند و مددودی نیوتند گردیدند . همه اینها سبب شد که این قسمت از اقتصاد در مالکیت —
خصوصی کوبنک را که شدید و کوبا هنوز مجبور به ادامه صرف ۲۴٪ از درآمد وارداتی خود برای غذا بودند .
زیرا کوبا که توده‌ها را بمنوان نیروی حرکه در اقتصاد نمی‌انکشید از این جریان چشم پردازیده .
و آنها را [توده‌ها] برای دو هم شکستن روابط تولید قدم و ساختن سوسیالیسم که بر اساس میزان سود
— آرزوی وحیله "سرعت نیوتندتر شدن" از فشار بر قسمت اقتصادی حد دور شکر بود، بسیج نمودند .
شکست در رهبری این دهقانان برای همکاری کردن، اشتراکی کردن و اجتماعی کرد ن «سلیل متفاوت
کنده ای برای باقی ماندن این قسمت از مردم در همان متد و نظریه مالکیت‌شخصی بود و اینکه دیگر
کشاورزی کوبا درین راه سوسیالیستی توسعه نخواهد یافت .

مزارع دولتی متشکل از املاک قدیمی و مزارع متوسط خبیث شده بودند که بنویه خود دریک —
محترم‌جمع غولپیکر بکرد هم جمع شدند که اغلب در مجموع چند هزار جیب می‌شوند . این یعنی راه
"مزوتور" سود آور تر — برای کشت شکر بود، مخصوصاً با توسعه کوشی بازار که میرزا: تا شوروی را هم در
برکتی داشت بلی این یک شکل بالاتر و سوسیالیستی تر مالکیت از گذشته بود زیرا که روابط تولید — مخصوصاً
نهضت تولید کنندگان در تمام جریان — تغییر نیافتد بود . در هوض کار برای یک کمبانی شکر تحقیق شرکت
مدیر اکنون نگارگران کارخانه و زمین‌کاران برای دولت تحت نظر ۲۰ یا ۳۰ بوروکرات کار می‌کنند و هدف
کار آنها تولید سود باقی ماند .

بعد از چند سال زمانی که مزارع دولتی احتیاج به نیروی انسانی بیشتری برای شکر بیدا کردند
مستخدمین مزارع دولتی از داشتن قلعه زمینهای خصوصی خودشان که بر روی آن بسیاری از نیشکر چیزیان
که باعث مقداری کمی از سبزیجات و محصولات دیگر که اصولاً برای استفاده خودشان کنست می‌کردند، منع
نشستند .

دو سو سیال وسیم طبیه کارگر کوشنی کند که استفاده مفید تری از منابع جملمه بکند . البته در
حداز مدت این بدان معناست که طبیه کارگر کشاورزی را بمقیاس وسیع متوجه و مکانیزه کرده ، و در تعلم
مدت باید دست بپردازد سیاسی بر طیه گرایشات سرمایه داری که از تولید خرد و کالای بوجود می
آید بزند لاما برای یک دوره طولانی دو سهاری از کنشوها مطمئناً در کوبا هم نه ضروری است و نه
مطلوب که همه تولید کاری کشاورزی حذف گردد حتی زمانیک مقداری از تولید فروخته می شود . این
میتواند در مصرف تغذیه مردم کند و اثر کارگران مزارع دولتی در اوقات فراحت خود سهاری از مواد
غذایی خود را کشت کنند امر خوبی . برای آزاد کردن منابع به منظیر استفاده در جاهای دیگر خواهد بود .
اما برای دولت کو با این قطعه زمینها ای خصوصی وقت را برای کار اصلی - نیشکر - تلف می کند .
در نتیجه با به تابعیت در آوردن استیجات کارگران و استیجات جملمه تحت خواستهای سلطان شکر ،
درست مثل گذشته دولت بصورت زمینداران جدید در آمد .

آبا ۹۵ / از ساندویچ فروشان " خد انقلابی " هستند؟

کمود نیروی انسانی در اولین سالهای ۶۰ در مزارع نیشکر سبب بله به [اصطلاح] تعب ملی سازی گردید . در به اصطلاح " نهایم انقلابی " سال ۱۹۶۸ (زمانیکه برد اشت شکر طب انتاده) کاسترو لعلم کرد که ۱۹/۱ در حد از همه ساندویچ فروشان ، صاحبان خواربار فروشها مشروب فروشیها و دیگر خرده مالیکین " خد انقلابی " شناخته شده اند . و بدتر در حالیکه این ساندویچ فروشان [از لحاظ جسمانی] در حال وقت تلف کردن بودند " ، " زنان به مزارع رفتهند " . مودان تو انا [از لحاظ جسمانی] هم این بنگاه ها - مجموعاً ۵۰۰۰ - بتصرف در آمدند . آنها [بنگاه و منازه ها] یا برای همیشه تعطیل شدند (بد ون توجه به اینکه آیا برای مثال کارگران ممکن است که احتیاج به بله دکه ساندویچ فروشی در جلوی کارخانه داشته باشند) و یا توسط بورکاتها اداره می شدند " در حالیکه سلب مالکیت شد کان [صاحبان بنگاه ها و منازه ها] برای چند نیشکر فروشانه شدند بعضی بیرون نتوان گشته و بسیاری به تغییر آده در حد جمیعت کویا که از کشور گریخته بودند پیوستند . کاسترو با گفتن اینکه انقلاب انجلی نزرفته است تا " طفیلیها به کار و کامپی شان ادامه دهدند این مسئله را توجیه کرد . اما این طرز بزر خورد بمسئله مخالف شیوه بروتری بوده . در انقلابها که توسط طبقه کارگر رهبری می شوند جذب حد اکثر نیروها در هر مرحله از مبارزه بر طبقه دشمن و خنثی کردن نیروهایی که نمی توان جذب کرد ، یک اصل مهم سیاسی است . طبقه کارگر یا آن بقدر از سرمایه داران بزرگ باید بتدرج از شر خرد " مالکیتی " که در کار خود دارد کناییکه نماینده عصر سرمایه داری هستند خلاص شوند . اما روش طبقه کارگر دد این وضعیت استفاده از تشهیق است نه زور . طبقه کارگر میتواند اکثریت عظیعی از این مردم را برای ساختن سو سیالیسم ، و بدین محواله هم دید میانی و هم موقعیت انتصادی آنان را تغییر دهد ، اما سرمایه داری کاسترو آنان را بصورت بودگان مزد و ساده درآورد . برای دولت کویا این مسئله ساده انتصادی بود : ۵۰۰۰ هزار مرد تو انا " = ۵۰۰۰ هزار نیروی نخبیره نیشکر چین .

اگرچه دولت ممکن بود که ملی سازی را بمنظور تصاحب کسب و کار دیگری بنام خویش خبلی " انقلابی " به نامد ، ولی این عمل بزرگترین نیونگ بوده و هیچ ارتباطی با موسیالیسم نداشت ملی کردن لزیماً سوسیالیستی کردن نیست . بطور ساده ملی کردن بمعنی کنترل تجارت بوسیله دولت است . که دولت بوزاری این را همه اوقات انجلی می دهد از پست خانه گرفته نا

(Penn Central) در امریکا، تا صنایع فولاد و معدن در انگلستان.

تداوالت اساسی این است که ام طبقه قدرت را داردست دارد. زمانیکه طبقه کارگرد و لسترا نیز گردانند، قادر است طبیعت جامعه را برخواهد و بزری کند که بطور فزاینده ای به منافع خود و بشریت خدمت کند. انجام این کار مستلزم شرکت آنها و سازمان یافته و بیان اینکه کارگران در تمام سطوح جامعه از جمله دوست پروری و اداره تشکیلات اقتصادی می باشد. توده های کارگرد هنان در باره "تولید و در بازه" لحتیاجات کن و شخصی شان آنکه زیادی دارند. تحت رهبری حزب بریتانیا می توان از جمع بسندی آنها آنان [کارگران و دهقانان] بمنظور فرموله نمودن برنامه ای برای اداره اقتصاد که لحتیاجات آنان را برابر طرف کرده و انقلاب را به پیش ببرد، استفاده کرد. و تبعهای تولید کننده می توانند مشکل گردند، آمریکا بایند، و بر آنها در کنفرانس لزوون و شوکت در این طرح و گرداندن جاسمه انتقام نمود. به غیر از اینکه تعلم اینها انجام گیرد، تنها بک راه نیز برای تضمیم گیری وجود دارد - بروطبی سسود.

این مورد در کوباست درست است که تجمعهای متناوی، از کارگران در کارخانه ها وجود دارد. ولی هدف اینکه یک معلم رسمی دولت آنرا ترتیب داد. این یک مسئله بحث در مورد تعلم تصمیمات اداری نیست. مسئله این است که انتخاب کارگران باید برای حمایت از مسیار های اصلی حکومت بودست. آیینه ۱۶ این نوع زیادی با آن نوع حرفه ای، بسی سرو تهی که مدیریت امریکای اندیشه کارگران میزند، ندارد. کارخانجات، مزانه، ولایت، دکه های ساند چیز فروشی وغیره توسط یک برنامه از نشانه ظاهر طبقه کارگر اداره نمی شوند. برناهه ها وینته شدند، ولی از آنچه ایکه خطوط کل انتظام را بلایا. بر روی تولید شکر تعیین شده بود، برنامه های شخصی در میان آن هم می باشند، بهمان ترتیب بسی اسلن سرمه نهیان گردند.

بن منترال (Penn Central) بین انصار راه آهن در سرق آمریکا بوده که در زمان ورشکستگی دولت به دنیا متدار زیادی داشت. ولی وضع آن بهتر نکه نمی شود هیچ بدتر هم می شود. از آنکه شرکت را ورشکستگی می رفت هیچ شرکت خصوصی حاضر به خرید این انصار نبود دولت امریکا این انصار راه آهن را خریده و به اصطلاح "ملی" می سازد. منظور مطلب اینست که دولتی کردن شرکت های خصوصی بمعنی سوسیالیزم نمی باشد. (متوجه)

لما يك اختلاف خيلي مهم بين مدبرت اقتصادي در سالهاي ۶۰ و مدبرت كشوری وجود داشته است
در سالهاي ۶۰ مدیران و بورکو انتسابا توجه به شركيات اقتصادي و صحفی شخصی که بروجعه
داستند مامور بپاره کردن کن کتول و د پسييلين بروجع آنها بودند . به اسم برقرار ملنون "کمـ
بيـسـ" به پيـلـهـ [ربـآـردـ] کـهـ آـنـهاـ نـكـرـيـكـرـدـ "کـمـلـ" شـورـيـ بـرـايـ آـنـهاـ خـرـيدـهـ بـرـودـ) آـنـهاـ
بـجزـدـ صـنـورـاتـ اـزـ باـلاـ [ازـ شـورـجـ] وـ كـتـولـ کـمـ ،ـ هـيـچـگـونـهـ محـاـجـبـهـ اـقـتـصـادـيـ بـرـايـ عـلـكـرـدـ شـانـ نـدـ اـشـتـنـدـ .
اـنـ بيـهـ رـوـشـنـدـكـرـانـ وـ مـتـخـصـصـيـنـ سـابـقـ کـهـ اـقـتـصـادـ رـاـ مـيـكـرـدـ اـنـدـ لـجـارـهـ دـانـ تـاـ هـمـاـنـطـوـرـيـ ،ـ کـهـ دـوـستـ
دـاشـتـنـدـ بـوسـيـلـهـ "پـرـوزـهـ هـاـ مـخـبـرـوـنـ" وـ بـهـ اـخـطـلـاحـ "نـيمـ طـرـحـهـ" مـثـلـ پـرـزـنـدـكـانـ آـنـتـ سـرـمـتـشـونـدـ .
ناـ اـيـنـهـ صـوـتـ حـسـابـ اـيـنـ "آـرـازـيـ" بـسـرـتـ بـسـرـ آـمـدـ .

علم اين اعيال تحت نام موسـيـالـيـسـ وـ حـذـفـ کـرـدـ بـولـ بهـ عنـوانـ يـاهـ وـاسـطـ مـحـتـفـ "انـجلـ گـرفـتـ" ۱۷
ولـيـ دـ رـحـلـتـهـانـ وـلـقـعـيـ مـوسـيـالـيـسـ ،ـ زـمانـيـهـ هـمـ نـيـروـهـاـيـ مـلـدـهـ وـ هـمـ کـتـولـ آـكـاهـانـهـ وـ دـاشـتـ بـرـلـيـدـ کـنـنـدـ .
کـنـدـ کـانـ هـنـزـ نـسـنـتـاـ مـحـدـ وـ دـ هـسـتـنـدـ ،ـ طـبـقـهـ کـارـکـرـدـنـلـوـرـ دـرـ بـهـتـرـ اـيـنـهـ انـجلـ گـرفـتـ چـهـ چـيـزـ آـزـدـ
اـمـتـ وـ کـمـ بـهـ باـزـسـيـ اـجـراـيـ آـنـ بـاـيـدـ اـزـ مـقـدـارـيـ حـسـلـبـكـيـ اـقـتـصـادـيـ اـسـتـادـهـ کـنـدـ وـ تـوـلـيـدـ رـاـ کـتـولـ
نـتـيـجـهـ .ـ وـ اـيـنـ باـزـ هـمـ بـعـنـيـ اـقـتـصـادـ رـاـ تـابـعـ سـيـاسـتـ کـرـدـ اـسـتـ .ـ وـ الاـ اـكـرـ بـرـنـامـهـ صـرـحـاـ وـ تـعـقـيـتـ
وـ رـاـنـعـكـنـنـکـيـدـ وـ اـكـرـ اـيـنـ تـاطـعـانـهـ اـنـجـلـ نـگـيرـ،ـ قـوـانـينـ سـرـمـاـيـهـ دـارـيـ جـايـ گـزـنـ خـواـهـنـدـ شـدـ .
درـ حـالـيـ کـهـ مدـبـرـانـ جـديـدـ وـ بـورـکـاتـهاـ مـيـخـواـستـنـدـ اـزـ بـولـ بـعـدـوـانـ وـاسـطـهـ مـعـتـمـ "خـلاـصـيـ"
يـلـيـدـ ،ـ آـنـهاـ تـنـوـانـستـنـ ،ـ اـزـ قـوـانـينـ سـرـمـاـيـهـ دـارـيـ وـ باـزارـهـاـيـ يـلـيـدـ .ـ مـاهـيـتـ غـيـرـ قـابـلـ کـتـولـ تـوـلـيـدـ دـوـ
اـبـرـ سـيـعنـمـ کـهـ شـكـتـهـاـهـ اـقـتـصـادـيـ سـخـنـيـ رـاـ بـوـجـودـ آـورـ وـ کـمـ بـسـيـارـيـ بـهـ شـكـتـهـ دـرـ رـوـنـيـشـکـرـ نـمـدـ
مـيـانـيـسـتـ ،ـ کـهـ تـحـتـ نـظـمـ مـرـدـ آـورـهـ مـيـشـدـ .

درـ اـيـنـ ۱ سـوـدـ بـرـ اـنـتـمـادـ اـزـ طـرـيـقـ دـخـالـتـ مـسـتـقـيمـ کـاسـتـرـوـ وـ دـيـگـرـ رـهـبـرـانـ حـاـكـيـتـ دـاشـتـ ،ـ کـسانـيـ
کـهـ بـرـ هـرـ جـاـ مـرـقـ کـنـيـدـنـ تـاـ مـنـابـعـ وـ اـبـطـرـ شـكـرـ وـ دـيـگـرـ صـادـراتـ وـ سـنـابـعـ کـهـ نـظـرـيـ رـمـيدـ کـهـ يـاهـ .
برـگـشتـ مـرـمـاـيـهـ کـهـ اـرـيـ مـرـيـعـ رـاـ دـرـ بـرـدـ آـشـتـهـ باـشـدـ ،ـ هـدـاـيـتـيـ کـرـدـ .ـ بـعـدـ ۱۹۶۰ درـ اـوـاـخـرـ سـالـهاـيـ ۱۹۶۰
دـ قـلـتـ مـعـيـ دـرـ اـدارـهـ هـدـهـ چـيـزـيـهـ کـلـ يـكـ کـامـپـيـوتـرـ هـظـيمـ شـرـبـوـيـ وـ يـڪـمـيـ اـزـ جـدـولـ هـايـ رـيـاضـيـ کـهـ بـرـ
مـبنـايـ دـمـتـورـالـلـهـمـايـ يـكـ اـقـتـصـادـ دـانـ هـارـوـارـدـ آـمـادـهـ شـدـ بـوـدـ کـرـدـ .ـ اـزـ آـنـجـايـهـ اـيـنـ مـنـدـ هـاـچـيـزـهاـ
رـاـ باـ مـعيـارـ حدـ اـكـثـرـ "کـارـبـرـ" بـزـيـزـ وـ مـنـتاـرسـ [واـحدـ بـولـ کـوبـاـ] تـرتـيـبـ بـنـدـيـ مـيـكـرـدـ ،ـ آـنـهاـ بـطـيـرـ صـادـهـ
فـرمـ پـونـيـدـهـ لـيـ بـرـ اـدارـهـ اـمـرـ بـرـ مـيـنـايـ سـوـدـ بـوـدـنـ (ـ وـ دـ رـحـيقـتـ لـطـبـ بـوـسـيـلـهـ مـهـ بـرـيـتـ سـرـمـاـيـهـ دـارـيـ

در امریکا و شوروی استفاده میشود). با فرارسیدن سالهای ۱۹۷۰ اگرچه حتی این متدهای موثر واقع نشدند و دولت تک شروع به بازسازی اقتصاد بر جنای همان اصل [ظهور اصل سرمایه داری] هم در شکل و هم در محتوا بدنبال دلار و به خصوص رول کرد.
روابط واقعی تولید، روایت واقعی طبقات، در استفاده سریع و بی بند وارکیت مارکبیستی استوار شده بود و در همان زمان از کارگران و دهقانان خواسته شد که به لحاظ "مارکبیسم" ساختگی دو برابر کار کنند.

کار؟ داوطلبانه؟

بنام "استفاده از آگاهی برای ایجاد ثروت" و "آفرینش انسان نوین" از کارگران به مدار زیادی کارد اوطلبانه خواسته شد. این امر بیویه در اویخر سالهای ۱۹۶۰ صحت داشت و بطوریکه تعداد روبه افزایشی از نیشکر چینان بدنبال مرت و شرایط بهتر از مناطق رومانی گریخته و تمام مزارع نیشکر را در زمان د روبا کمود نیروی انسانی مواجه ساختند.
تعداد بیشماری از کارگران داشتند و حتی بعضی مواقع بیرکارتها به مزارع نیشکر منتقل شدند اگرچه شباختن کوچک بکار داوطلبانه و انتقام موسیالیستی داشت که در تحت حاکمیت طبقه کارگر پله معیار مهم برای توسعه جامعه و انتقال [قدرت به] طبقه کارگر است.

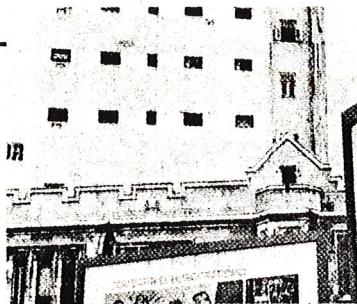
در موسیالیسم زمانیکه کارگران حکومتی کنند و در حال تغییر دادن جامعه بسوی کمونیسم هستند زمینه واقعی برای مردم وجود دارد تا اوقات فراتشان را صرف کار داوطلبانه بکنند. اما در رکوب اکار داوطلبانه به هیچ وجه شبیه این نبود. این امریدن سبب بود که احتیاجاً تولید شکر، این معنا را میداد که "کارد اوطلبانه" مردم لطف به حساب کار عادی شان گذاشتند و شد و به این خاطر هرچند بسیاری از مردم با لشتباق و از خود گذشتگی در این کارها شرک جستند، که اوش انجلی سلغات معینی از کار داوطلبانه تنها راه توانای خرید کالاهای مصرفی بساد وابی مثل یخچال وغیره میبیند. بسیاری از کارگران باین توطئه مخالفت نمودند. باز آوری در کار داوطلبانه "اغلب فقط ده درصد از مرت بود - اما این هنوز ارزان تر از برد لختن مزد ها بود.
همانطور که کاسترو در مورد افزایش تعریک لازم بر شکر ادعا کرده بود "همان توسعه کامل نیروهای مولده لازم جهت کمونیسم" او همچنین ادعا کرده که افزایش تاکید بر کارد اوطلبانه نیز یک

معیار کوئیست است . در واقع بسیاری از کارگران به چنین انجلم کارها در " سوپرالیس " به شله افتادند ، در سراسر سالهای ۶۰ کاسترو تطمیع بسیاری بین برآمد ن " کوئیسم " در آینده ای تربیک (او گفت ز در خلال ۱۵ سال شروع نشود)^۱ که پایا نی برای مشکلات روبه ای کوبا خواهد بود داد .

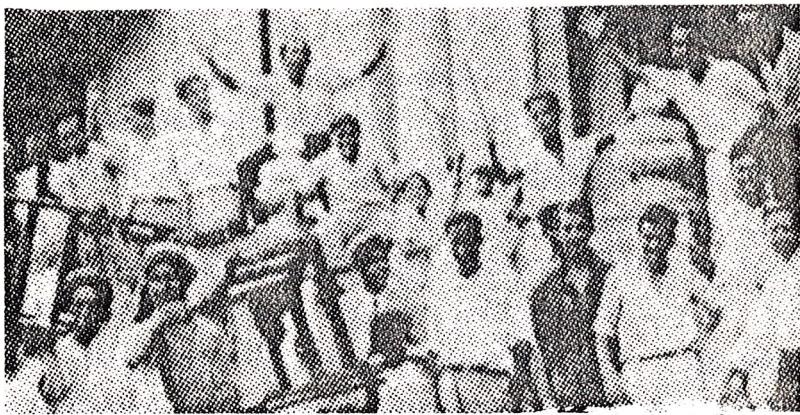
این یک حواستاند و بسیار مناسبی از مفہم واقعی کوئیسم بود و همانطوری که پیشتر از آنها به صفت ثابت نبود ، این مانند وده سرخ من بود . هیچ مداری از کارداوطلبانه پا خیره ، روابط طبقاتی سرمایه داری را که مسبب واقعی مشکلات کوبا است را تغییر نخواهد داد . و دولت کوبا از اثولع شیوه ها استفاده نی کرد — از ضرف کردن شور واقعی انقلابی مردم ، تا انگیزه های مادی ، تا کاهش آشکار مزد ها — بمنظور پیشاندن این حفیت و کارکبدن بضریبیشتر از مردم .

در صنایع و به خصوص در میان کارگران ماهر ، بزرگساز " کارگران ترجیح داده مرد کشی در یافت دارند با نا برابری های لبروز و از بین بجزئی " مزد ها در بسیاری از مشاغل کاهش تأثیر نداشتند . کاسترو بارهای اصطلاح " مزایلی " را که بعضی از کارگران غرض آور زمان باتیستا از آن بهره مند نی شدند حکم ساخت (به همان موتیکه امروز لز کارگران در امریکا انتشار دیگر از آن [مزایا] لذت ببرند) . ولی این سرمایه داران که مسبب نا برابری در میان توجه های کارگر هستند نه اساساً با لطف کرد ن در حق عده ای ، بلکه با بد احتیاط مزد ای که آنها بتوانند با آن بسر برند . اصل سوپرالیس " هرگز مطلبی کاری " بین معنی است که مردم حقوقهای مختلفی را در مقابل کارهای مختلفی که انجلم نی داشتند دریافت نی کنند به دلیل اینکه آنها خلاصه بر مختلفی [کار] را به جامعه عرض نی کنند . محدود کردن این اختلافات و سرتاجلم رهایی از آنها بایستی از طرق تراویش سطح دستمزد عمومی — نه کاهش دستمزد ها انجلم کردن .

این نظریه " برابری " سرمایه داری است که نی بایستی تمامی کارگران بطور مساوی تهدید است باشند و این بعضی از کارگران هستند که نی بایستی جزو هر بیشترین را که دیگران نی کنند بگشند . این همچنین نظریه دولت کوبا در " ساختن سوپرالیس و کوئیسم در یکه زمان " بود . البته در این ای ای ای اختلافات طبقاتی بسط یافت . در حالیکه کارگران تحت عنوان ساختن " جامعه کامل و اتمامی " کامل " حقوقشان کاهش پان . برای مثل مملکتی دیگرستانها ۶۰٪ اضافه حقوق دریافت داشتند و در برخی از جدید بدان بخاطر مودی که عرض نی کند پاداش داده خواهد شد .



تابلوکه کوبانیها را ترغیب میکند تا با فرار سیدن دهم زوئن به هدف شدن میلیون تن تولید شکر دست پایند با قول اینکه برق از کله عو سام خواهد بزید . کاسترو شرط " افتخار انقلاب " و مهمنت از آن تعلم منابع کوبا را رسیدن به تولید ده میلیون تن ش کر گذاشته بود . نکت این امر اقتصاد کوبا را در تباہی باقی گذاشته و هر چه بیشتر آنرا به سوروی واپس نمود .



سال ۱۹۲۲ مردم کوبا در هاوانا سرتکنون دیکتاتور دست نشانده امریکا را پس از یک اختصار صیغه و تسخیر مسلحه بسیاری از تارخانه جات شکر بنادر و کارخانه نولاد متعلق به امریکا بود را جشن میگیرند . طبقه کارگر کوبا دارای ساخته ظیبی از مبارزه انقلابی بر علیه امپرالیسم است . بورزوایی کوبا و اربابان روسی آنها با قول سوسیالیسم به کارگران در حالیکه به زنجیر کردن آنان به سیستم کار بردگی مزد روی ادله می دهند با دم شهر بازی می کنند . طبقه کارگر و مردم کوبا بظهور حتم انقلاب خواهند کرد و حاکمیت مستبدان را با ساختن یک جامعه سوسیالیستی واقعی ویران خواهند ساخت .

حق دستورهای مرد نیز آنچه که بنثار می‌رسیدند نبود . برای عده‌ای اجاره ارزان و یا
حتی مجانی بود، و بسیار از قیمتها نیز در تزمانت ارزانتر از قبل بودند . اما در اولخر سالهای ۶۰ کالا
- های معرفی آندر کیاب بودند که مقدار بیل در گردش دو برابر ارزش کالاهای موجود در بازار بود؟
بیشتر بزرگ‌ترین به مردم بخاطر بود چیری برای خریداری ارزش بود . (از آن پس بعد "حل" این مسئله
با افزایش قیمتها بوده است)

اتصال در تسامه

در اولخر سالهای ۱۹۶۰ اتصال کوپا در حال ویرانی بود . در سال ۱۹۶۴ بعد از
اضا جو گفتاره غرو شکریه شوری کاسترو هلام کرد تا سال ۱۹۷۵ هر سال ده میلیون تن شکر
برد لشت خواهد کرد . این برنامه به منزله تقریباً سه برابر کردن تولید شکر بود .
تا میزان ۲۰٪ از اتصال در سرمایه که اربهای بزرگ مجدد سرمایه که اری مینه‌آترک بروی
زمین جهت آماده کردن آن برای نیشکر، خرد تراکتور بخاطر نیشکر، ساختن کارخانه های جدید برای
نیشکر راه آهن برای نیشکر، بنادر برای نیشکر - بخلاف توسعه دیگر محصولات و مولاد معدنی برای
صادرات بود . بعد از دو سال اول تولید شکر هر چه بیشتر و بیشتر از هدفهای تعیین شده عقب
افتاد . و هرچه بیشتر تولید شکر هفتم افتاد، بهمان نسبت ضلیع دیگریه شدت به زیر تولید شکر
گرفته شد . بوسیله سیرون کیدن کارگران از عمل منابع دیگر . با کیده شدن کارگران برای نفع
نیشکر حتی خانه ساری نیز نیمه کاره ماند .
اما این برنامه یک کلبوس از آبدار آمد، و رهبران کوپا در دود سربزرگ گرفتار شدند .
در تلاش‌های دیوانه ولرشان برای رسیدن به هدفی که بسیاری آن کاسترو و بسیار لشکار آتش‌شرط
"انتخار انقلاب" می‌نامید آتلان با چنان شدت از نیروی انتشاری، مانشینها و مزانع کارکشیدند که تولید
۸/۰ میلیون تن شکر بدست آورده در سال ۱۹۷۰ آتجنان هزینه‌ای بود لست که تولید نیشکر در دو
دو سال بعد به سطح تازه‌ای در تاریخ معاصر کوپازول بید آورد . و نه تنها آنها ده میلیون تن
را به دست نیاورد بلکه دو سال ۱۹۷۰ آنها در فرستادن شکر نیول داده شده به شوروی آندر
عقب افتاده بودند که به شوروی ۱۰ میلیون تن بد هکار شدند .
آمارهای اتصالی کیا در این دوره تصویر مصیت‌باری را رسم می‌کند . با این گیری تب

تولید شکر تطبیق صعنی کشور که به صورت تا سال ۱۹۶۸ رشد یافته بود . طبق آمارهای کوبانی ها
بتنده سقوط کرد . برای مثال، تولید آمن و گفت، بمانند سنگی سقوط کرد . تطبیقات کاورزی به غیر
از شکر به يك پنجم تقلیل یافت . (آمار های کو با انتباس شده از سازمان ملل) تعداد احتمام در عرض
سال از هفت میلیون به پنج میلیون کاهش نلت . مرغ اری و بسیاری از سینه جات کوبا کیبل یافته
ماند ^{۲۲} .

بر طبق نظر " متخصصین " امریکائی درباره این موضوع . آمارهای آنها نشان دهد که سطح
زندگی توده ها در سراسر امیرا سال ۱۹۶۰ به آرای در حال نزول بوده . لزومی نداشت از ما
به گفته های آنها تکه کیم زیرا که بر طبق [آمارهای] دولت کوبا مدار کالاهای بک مردم را توانستند
بر طبق جیوه بندی بدست آورند یا بهمان صورت یافته مانده و یا تنزل کردند (برای نمونه سفله
نیز) و حتی دو محصول مشهور مصرفی خود کوبا سبکار و شکر بسیور و حشتناکی کاهش یافت . تا بینتر
برای صدور باقی بماند - در حالیکه قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی بسرعت افزایش نلت . افزایش
کوبا که میانگین فیض روزانه از کار در سال ۱۹۷۰ ^{۲۳} بیست درصد بود ، نشان دهنده این است که
کلرگران احیقی به چونگی لنجلم کارها نقی دادند . او این را چنین توصیف کرد: " حفاظت نهی گستردۀ ^{۲۴} " .
دولت به توده های کوبانی قول داده بود که دروده میلیون تن فراوانی لان را جهت
رهان انتصادی کوبا فرام خواهد آورد . اما این حرکت و نشست آن خلق کوبا را بینتر به بردگی کشید .
با رسیدن سال ۱۹۷۰ دولت کوبا بینتر از دو بیلیون دلار به شوروی بد هکار بود ، و روسها در مقابل
بیش از آنچه که داده بودند طلبی کردند ^{۲۵} .

روشها و شروریهای هند کاسترو شلاق را پسدا دلوفی آورد

کنگره سال ۱۹۲۰^ج کوبا ثبت و تصدیق رسی بود بر تغییرات بسیاری که دولت کوبا از اوایل مالهای ۱۹۲۰ در حال ناجمل دادن آن بوده است.

لطین و مهترین آن یک سختگیری جدید بر طبقه کارگر بود . توافق با سیاست جدید دستبرده که در اول این هاله بد ان شیوه شد، در حال حاضر کفر به نیروی شور و شوون توده ها و پیشتر به همان اعمال زور گذشته نکیا نی شد . این با تصمیم سال ۱۹۲۲ که سیستم مجازاتی را که کارگران در صراسر دنبای سرمایه داری یا آن لفنا بودند را سعیا کرد، در یک سیر بود برای گاهانی از قبیل غیتلتغیر و خلقت تا عدم به سویستها، کارگرانی توانند از طریق کسری از حقوق، سلب صلاحیت از مقامهای شخص، انتقال به کارهای دیگر، به حب اند اختن تعطیلات، بازنشاشت وقت و لخراج و ائمه مورد مجا- زات قرار گیرند .

چندین سال پیش موسسات خصوصی شکر برای تزایش "باروری" شروع به لخراج کارگران نمودند . رئیس جمهور کوبا اموالدو دریکن از سخنرانی های سال ۱۹۲۲ اثمار کرد که بیکاری به طور آنکاری در دو تا از بزرگترین ایالت های که در آن شکر کشتی کند وجود دارد ^{۳۶} با توجه به کنگره حزب این عمل اکون در صنایع دیگر هم بسیار گسترده تری شود .

تصمیمات کنگره پیک سیستم رسی برای گرداندن اقتصاد کوبا هطراز با شیوه های صراحتی داری بنا نهاد . از این به بعد دیگر بورکرها و مدیران آزاد نخواهند بود که با ریماهای خود به سود زبان برمانند از انجاییکه لین یک آزادی است که حتی پول مسیال اهرالیس . هم قادر به خرید آن نیست . اکون تعلم اقتصاد قرار است بطور "مشتری" با کسب سود در هر قدم اداره شود . قرار است که کارگران بر حسب سود آوری تشکیلاتی که در آن کاری کند مزد بکیرند بیرای لبیار آنها به - مشترکار کردن - که آنها را همیشگی کفر استخوار نی کند و قرار است که مدیران هم بر حسب سود آوری تشکیلاتی که اداره می کند حقوق دریافت کنند (که کارگران را مجبور کند سخت تر کار کنند) و قرار است آنها که در رتبه بالا قرار دارند "پادان نتایج" را دریافت بکنند ^{۳۷} - بعد از همه اینها آنها مسئولیت اداره هم چیز را ندارند؟

نقش حزب کوبا

دولت کوبا از تجربه روزنیستهای شوروی بیشتر از تها یک تفسیر "سوسیالیست" از اتمام سرمایه داری را آموخته استه. بهترین نمونه آن تصمیم بالاخره برگزار کردن اولین کنگره حزب کمونیست کوبا که ده ماه پس از تشکیل آن می‌گذشت است.

زمانیکه حزب در سال ۱۹۶۵ تشکیل شد نقش آن اساساً فرماتیته بود. از آنجاییکه کوبا فرعاً یک کشور "سوسیالیست" بود میتوان بود که یک حزب "کمونیست" هم داشته باشد. این با جنبش ۲۶ زویه کاسترو هیئت رهبری انقلابی (یک گروه دانشجویی بر طیه باتیستا دست به اسلحه برده بودند) و حزب سوسیالیست ملی [Popular Socialist Party] روزنیستیلی قدیمی که از مدت‌ها بیش کمیست خواندن خواشان را کارگداشت و مخالف‌جازاره مسلحانه تا آخرین دقیقه با باتیستا بودند و حتی تا آنجا بیش رفتد که چندین تن از دانشجویان مجاز را به پلیس باتیستا تسلیم کنند و در هم آجیختند. این رهبران جدید حزب بندوت ملاقات میکردند، عده مددوی به آن مطلق شدند و بطور کن اساساً نقطه برای نمایش بود.

برای طبقه کارگر حزب اوبنوان اسلحه اصلی در پیروزی انقلاب و ساختن سوسیالیسم بختار می‌رود. تها از طریق گروهی مشکل از آگاهترین مبارزین طبقاتی است که میتوان داشت و تیر به میلوپنه مردم زحمتکرا جمعبندی کرده تا خطمنی و سیاستهایی که بتواند طبقه کارگر را بجلو سرق بدهد را فرمولبندی نمود. رهبران انقلاب کوبا حایات‌بسیاری از طرف ترده‌ها دریافت کردند اما از آنجاییکه آنها هرگز حرکت خودشان را بر اسلس‌منفع طبقه کارگر بنا ننمایند، لحتیاج به چنین حزبی ندانستند. لاما تجربه ای که آنها به عنوان یک طبقه جدید سرمایه دار و بسته داشتند، آنها را در مورد حکایت و تحکیم حاکمیتشان "وابح مناق" کرد. حزبی که آنها تشکیل داده و به صحنه اصلی آوردند توسط این طبقه بوجود آمده و بوسیله منافع و نظریه این طبقه هدایتی شد. رهبران آن [زمب] بر دولت، ارتضی‌کارخانه‌ها و مزانع حکومتی کنند. کاسترو به کنگره گواش داد که ۴۰٪ از اعضای حزب، رؤسا و صاحب‌نفعان تمام وقت حزب هستند و ۱۰٪ از آنها بعلمین و کارگران بهداری می‌باشند. در مورد باتی کسانی که متعلق به ولاده‌ی کارخانه و مزرعه هستند، مادینیائی دانیم که چه مدل‌کارگر و کارورز و چه مدل‌ارتخاص و مدیر می‌باشند. از سخنرانی قبلی بخوبی می‌دانیم که حداقل در سال ۱۹۷۰ مدیر و رهبر حزب در این واحد‌ها تقریباً همیشه یک شخمر بوده ۳۰— و در

مزارع دولتی هم بسیتر اوقات یک معلم ارتقی بوده!

اما طبقه ای که ما میتوانیم بگوییم که یک حزب نمایندگی چه طبقه ای را که اصولاً توسط اعضای آن نیست بلکه توسط میاستهای است که پیاده هی کند و اینکه این میاستهای چه منافع طبقاتی را به پیش میراند. همانند حزب روپرتوپیست گرفت در شوروی این یک حزب طبقه کارگر نیست که به حاکمیت طبقه کارگر خدمت بسکند. این یک حزب بولواری است برای حفاظت و تقویت حاکمیت خود بر توده ها.

"انتقاد از خود" کاسترو

حتی به اصطلاح "انتقاد از خود" کاسترو به این منافع طبقاتی خدمت میکند. وی نه چندی پیش گفت: "احتمالاً بزرگترین ایده ال ما" را قبول این بوده است که یک جامعه که جدیداً پوسته سرمایه داری را رها کرده است میتواند دریک چیز، وارد یک جامعه ای بشود که در آن هر کسی بتواند به طریق انسانی و لخلائی رفتار بکند".^۲ در کنگره حزب کاسترو این موضع را ادامه داد: "انقلابها معمولاً دارای دوره های تحیل خود هستند" که در آن بازگران عده، وظایف اصیل خود را به این اختصاص داده اند که رواهای خود را به واقعیت جبدل سازند و ایده های خود را به بحثه عمل بگذارند فرض کنند که هدفهای تاریخی بسیار نزدیکر هستند، و اینکه خواستهای آرزوها و قصدهای انسان قادر است که هر چیزی را به انجلی بررساند".

اینها حقیقتاً نشانه هایی از یک دید بورژوازی جدید نسبت به روزهای گذشته اند است، به قدر رسیدن آنها با انقلاب خود را بجزء ای تغازند. میاستهای ریبراون آن دشکنده نظره همان طبقه با تعلم نو ساختن ذهنی گرایی، خیالبرداری و انکار و امنی و بوج، ناشکیابی برای تغییر سرین و عدم صبر برای جازه و همه نقشه های فوری نیرو تشدید شدن و دیگر مشخصاتش که تبلوری از موقعیت مترقب خود را به بورژوازی بین طبقه کارگر و سرمایه دار است میباشد. خط مشی "چه" و در واقع محافظه کر ایانه آنها در سالهای ۶۰ و تغییر سریع شان در برابر مشکلات به روز و نیسم آنکار همه اینها این دعوا است.

شكل اصلی ایده آبیستن که این داشت مطمناً چیزی نبود که کاسترو میخواست ما باور کیم.

یعنی ارزشای بسیار بالا از توجه های مردم . ایده آلبیم و قمیشان این بود که آنها منتظر داشتند که بدون کوششها شکل و آگاه توجه های میلیون در جامعه و تواند ناطقها برخواست آنها خواهد شد . این در تدریجی آنها ضعیف شده بود که " منقی از مردان ثبت قدم " بتوجهی مادر مستند که هر را پالیس امنیکا را در صراسر آمریکای لاتین سرگشی میگرد و همین توصل تصور آنها یعنی شلختی بول شویوی و ایده های کاسترو بعای مبارزه خود توجه های میتوانست مرسی ایم را به کوبابایارو بود . این ایده آلبیم نبود که آنها فی خواستند چیزها را تغییر دهند و یا اینکه معتقد بودند که چیزها فی توانند تغییر یابند . چیزی که بیشتر از همه ایده آلبیم بود . چیزی که بیشتر از همه از واقعیت بد و بود . تصور رهبران کوبا از اینکه فی توانستند تقسیم کار سرمایه داری را بین خودشان در بالا و در پایین هم متفکران و نقشه کشان و مدیران نگهدارند بود در حالیکه زعکشان بینانه های آنان را مشتقاته بیدون مبارزه بر عایه این استشار و ستم استجمل دهند .

بوزاری تسلیم عیبار

چیزی که امروزه در کوبابایاری تغییر ایانه توانند هنده تغییر شکل این شورشیان به یک بیرونی از جدید ، این است که در حالیکه آنها هنوز از ظواهر " موسی ایم " معاشری کنند تجربه آنها در گرداندن جامعه به شیوه بولوای ایان نظریه و متد های تعلم طبقات حاکمه سرمایه داری وابد ایشان آفرینته است . آنها ایده آلبیم گذته خود را بوزاری ایشان را با نظریه و مبارزه طبقه کلرک نعوض نکردند . این بلکه بیشتر آنرا به خدمت خود بتوان از کوتنه اند آنها هنوز از نهادی و مجهله بسری ساخته حادیت ایشان استفاده میکنند . ولی اکنون میز " نظم بازار " برای کارگران بکار تکیه کرده و لزمه هر چند تهدید و لشکر که در فیقرستان بلند ، معاشری کنند .

این اینچنین دیدگاه خود را بوزاری را نسبت به مونگوئی حاکم روسن تو خیف کرد .

" آنها بزندن سال بگذرید من هم صحیح بروم " . این شامل رهبران خود را بوزاری شد . بران آنها بیوزاری بر اینها بیستها و بیشترین کومانیشان یک حرفت برای تغییر شکل دادن شرایط که هر جهی بوزاری میستم نو مستمراتی فی شده بود . در عرض آنها به مرائب در یک شکل جدید جانشینی همان کسانی شدند که براند لخته بودند . در این زمان شورشیان خود را بوزاری بر اساس دیدگاه بلطفات ایشان و با شرایط بسیار حاضر و آماده شده توسط روزبوز بیستها شوروی ، آنها بدل به یک بوزاری که را در نظم هیمار . ولبسته به اینها بیستها شوروی .

ارقام تجارت کوبا با بلوک شوروی در این چند ماهه لغیر تقریباً آنند همان زمانی است که با آمریکا تجارت داشتند . هنوز یک سهم تولیدات جزیره صادر نی شود (ویژتو آن شکر است) که اکثر این تولیدات به طرف بلوک شوروی نی رویده است

در حالیکه زمینهای حاصلخیز جهت تولید شکر بکار گرفته شده اند ، غذا در فهرست بلند چیزها نیکه بایستی کویا از خان بخرد باقی نی ماند . این حقیقت یک فشار دهنده بر توسعه آن است . بد هم کوبا به شوروی در حال حاضر بین از پنج میلیون دلار است و برای باز برد اخت آن اکنون کوبا در حال نفعه کمی برای بکار بردن تلاشهای هر چه بیشتر به منظور افزایش تولید شکر است . خبری کوبائیها به C.M.E.A [بنظر میرسد که این یک پیمان اقتصادی در بین اتحاد شوروی هاست] که اصلی ترین عامل تسلط اقتصادی شوروی بر اروپا شرقی نی باشد پیوستند . این میکن پایان نایاب برو وابستگی بد هم و حتی وابستگی بیشتر و در مرکز آن اقتصاد تک محصولی عیناً همان رابطه ایستگه بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین را به آمریکا وابسته نی کند .

نقش سیاسی کوبا

این اقتصاد دانان امپریالیستی هستند که نقش سیاسی خاور کوبا را در جهان دیگه نی کند - نقش آن به عنوان یک وسیله یک دست نشانده که توسط سوسیال امپریالیسم شوروی برای پیشبرد منافع اشان در هرجانی مورد استفاده قرار گیرد .

بسیاری روسها کوکا و ساقه حاصل یک سرمایه کناری بلند مدتبه موده های فراوان داشتند تا یک تنها سود لحظه ای اقتصادی . این حقیقت قابل قبول است که شوروی میتوانست در کوتاه مدت در سرمایه کوکا بیانیش بول از دست بدند اما این تاثیری در وابستگی مستمرانی کوبا به شوروی نی گذارد . قدرتیهای امپریالیستی اطلب موده های لحظه ای خود را در هر کشور بخصوص تابع سپاه استهای کی شان نی کند . یک نمونه خوب این جریان اسرائیل است جانیکه آمریکاییانها دلار را سوازیر کرده است بیشتر از آنچه هرگز امید به بیرون کشیدن آن از اقتصاد اسرائیل بنتهای داشته بلند . ارزش و تعمی اسرائیل برای آمریکا عدتاً از لحاظ سیاسی نظایر است که وسیله ای برای حفاظت داراییهای آمریکا در خارج مبانه است .

امیریالیستهای شوروی مطنتاً انتظار دارند که یک سود بولی در برابر سرمایه گذاریشان در کوبا دریافت بکنند. اما ارزش واقعی کوبا برای آنها اینستک جاه انقلابی خد امیریالیسم آمریکا را بین کرده و پیش وسیله اصلی در حرکت شوروی بران جایگزینی سلطه خویش بجای سلطه جهانی امیریالیسم آمریکا سهم به نام انقلاب و کوتیسم است.

اعتبارنامه های "انقلابی"

کوبا به عنوان کشوری که بر علیه آمریکا انقلاب کرده است و اینا سعی در افزایش اعتبار انقلابی خود دارد، قادر است که اهداف امیریالیسم شوروی را در بسیاری از نواحی که شوروی نی تواند به این خود کند بپیش ببرد.

قمع از خدمات کوبا تهیه یک پوشش و حله مقابله بر علیه انسا و بدگزینیها از امیریالیسم شوروی است؛ چیزها را بر عکس جلوه داده و طبیعت واقعی آنها را بنها سازد.

کوبا خصوصاً در این مورد در کفرانس کشورهای غیر متمدد در الجزایر، سال ۱۹۲۳ و ملتکه ولیعهد کامبوج شوروی را بعنوان یک هدف در تجاوز آمریکا علیه کامبوج تسبیح کرد نقربارتری را ایفا نمود. کاسترو سینه سپر کرده و اقدام به یک حله بر علیه سینهانوک و دیگران نمود و دفاع مذبوحانه ای از روسها که او به عنوان یک خحد ثابت قدم و طبیعی کشورهای تحت ستم رسم کرده بود، انجل داد. امروزه رهبران کوبا این موضع را با صدای بلندتر و بیشترمانه تراز قبل مطرح نمی کنند. در کفره سال ۱۹۲۵ حزب کاسترو گفت "هیچ انقلابی واقعی در هیچ قسم از جهان هرگز از اینکه شوروی فدرات ضد است افسوس نی خورد برای اینکه اگر این قدرت وجود نداشت... مردمی که در این سی ساله گذشته برای آزادی جازمه کرده اند هیچ جای برای دریافت کمک قطعی نداشته اند... و همه کشورها -ی کوچک توسعه نیافرند - که زیاد هم مستند - برای بار دیگر به مستمره تبدیل می گشند".

بینایی که پشت این خوبیده ولض و روشن است: کشورهای غلب انتاده نی توانند بدون - تکیه به شوروی آزادی خود را کسب کنند. این دعوت از جهان برای دنبال روی از "مدل کوبا" خدمت بسیار مهی ب حاکمین شوروی است، کسانیکه سعی در به انحراف کشیدن مبارزات مستجد یگان بر علیه امیریالیسم آمریکا و در راه مقاصد خود برای جانشینی بجای امیریالیسم آمریکا بعنوان بزرگرین استثمارگر و ستمگر جهانی دارند.

طی البته حاکمین شوری اساساً بر روی مختزنهای کاسترو برای بیشترد مانع شان حساب نمی‌کند . همانند امیرالیسم آمریکا آنها نیز بیشتر و بیشتر بر روی اسلحه حساب نمی‌کند . و اینجا هم - رهبران کوبای شاهد نور این تعبیین شوری بوده‌اند .

مدخله نظامی در آنکولا

این روزها بجای لئله خطمنی "کنون چریک" بمنظور جانشینی مبارزه خود توده‌ها برای آزادی اکنون کوبا در حال فرستادن سربازانش که مواربر تانکها و هوابیمهای شوری می‌بلشنده است .

هزاران نفر از سربازان کوبا با همراهی تانکهای شوری در آنکولا تنها پنج از چند پرد لختهای است که از طبقه حاکم کوبا انتظار خواهد رفت به اربابان روسی‌ها در جبهه عمل بورد ازد .
نه تنها مسیال امیرالیستها از سربازان کوبایی برای تحت سلطه در آوردن آنکولا استفاده
می‌کند بلکه آنها منع می‌کند هم را به عنوان "انترناسیونالیسم برولتري" جلوه دهند و تا بد انجام
بینی روند که کوبا را بعنوان نمونه ای از این که چه تعضیهای تعظیمی در اثبات برای دیگر کشورها
بسრطی که آنها آینده خوبی را به شوری و "کمپایش" و لبسته کنند موجود است - مجسم می‌نمایند .
طی این حقیقت که هزاران نفر از سربازان کوبا تی بعنوان گروکتهای در این جنایت خذ اتفاق افتد -
فرستاده شده‌اند که بجنگند و بسیرند ، یک اتفای عظیم از امیرالیسم شوری است که هیچ خدار حرفی
قادربه پنهان کردن نمی‌ست .
امیرالیستهای شوری می‌گویند که طبقه کارگر و توده‌های مردم محکم هستند که در زنجیرها .
پشان باتی بیانند مگر آنکه "کک" شوری را دریافت نموده و خود را نیز به شوری تسلیم نمایند .
امیرالیستهای آمریکایی که از طرق ککهای اقتصادی و نظایر خود دستها است که بسیاری از خلق‌ها را به بندگی کشیده و بند های سرکوب را تقویت کرده اند همان چیزرا از دیدگاه خود مطرح می‌کند
- اگر متند بدگان و استنمار شوندگان کشوری جریت کنند که بر علیه "حمایت" و غارت آمریکا برخیزند
آنها مطمئناً بدلم شفالهای شوری می‌افتد .

اما مهضوین درسی که با پد از شکست انقلاب کوپا آموخته شود در متبرهکن این منطق امیرالیست است . تده های مردم در هر کشور تنها با تکه کردن بر کوشش های خود و نه بر "کله" استشارگران جمله است که میتوانند خود را آزاد کنند و هدف آزادی، تمام بشریت را به بیش ببرند - یعنی با دربیش گرفتن انقلاب بروانتری .



کاسترو که به افتخاری که در آنکولا بدست آورده بود قانع نبود در اوایل ۱۹۷۲ از هشت کشور افریقائی دیدار کرد . تقریباً در همان زمان با کمی اختلاف در برنامه سفر بادگورنی نیز به یک سفر افریقائی پرداخت آندوبا هم سعی در به احتراف کنیدن مبارزات رهانی بخشن در افریقا برای منافع سوسیال امیرالیست کردند . زمانیکه کاسترو برای حساب پس دادن وارد مسکو شد ارتباط روسی بروزرف به او تبریک تهنئه و او را در اغوش کشید .

سوابیخات

- ۱- گرام Gram چهارم زانه ۱۹۲۶
- ۲- جان، ای، کونی. وال استریت جورنال ۱۶ دسامبر ۱۹۲۶
- ۳- "بیانه برنامه از جنبش ۲۶ زوئیه" از کتاب کوبا در انقلاب رولند-ای-بونجهاد و خلصون-پ والدز سردبیران نیویورک ۱۹۲۲
- ۴- سفیر امریکا در کوبا؛ تهادیت طبیه چهارم نیویورک ۱۹۶۲
- ۵- گزارش اسپانیائیهای امریکانی می ۱۹۰۹
- ۶- روپلاسین (ارگان جنبش ۲۶ جولای) ۲۲ دسامبر ۱۹۶۱
- ۷- ادوارد بروستین تغییر شکل اقتصادی کوبا [اسم کتاب] نیویورک ۱۹۶۸
- ۸- چیهی سهوجلیسکی کوبا کاسترو و انقلاب [اسم کتاب] کیوال کیلز ۱۹۲۲
- ۹- گرانبلیم (Gamble) هشتم زانه ۱۹۶۶
- ۱۰- پکن روپلین (Peking Review) هجدهم زانه ۱۹۶۶
- ۱۱- گرانما (Granma) پنجم فوریه ۱۹۶۶
- ۱۲- سخنرانی سیزدهم مارس ۱۹۶۶ بنقل از هاد توئاس کوبا [اسم کتاب] نیویورک ۱۹۲۱
- ۱۳- لتوهیوبمن و م پال سوئیزی سوسیالیسم در کوبا [اسم کتاب] نیویورک ۱۹۶۹
- ۱۴- مارهای دولت کوبا بنقل شده از اریک ن باکالا نوف "روابط اقتصادی بین المللی" در تغییر انقلابی در کوبا [اسم کتاب] کارلوسما - لاکو اید چاپ شده در بیتیزبورگ ۱۹۲۱
- ۱۵- سخنرانی سیزدهم مارس ۱۹۶۸
- ۱۶- سخنرانی توسط آرماندو هارت وزیر سازمان حزب کمونیست کوبا گرانما پنجم اکتبر ۱۹۶۹
- ۱۷- سخنرانی در کنفرانس می ۱۹۶۷ بنقل از تمام اونی سایت ANAP
- ۱۸- ولتون تیف "یادداشتی درباره یک دیدار از کوبا"
- ۱۹- ریترو ای هرنا ندیس و کارلو میسا - لاکو "سازمان کار و مزدها" در تحول انقلابی در کوبا
- ۲۰- ک رملو میسا - لاکو "اهمیت اقتصادی کار بدون مزد" در کوبا در انقلاب [اسم کتاب]
- ۲۱- سخنرانی بیستو هشتم سپتامبر ۱۹۶۶

- ۲۲- گزارش کاسترو به کنفرانس حزب سال ۱۹۷۵
- ۲۳- " بر علیه کسبود بینکم و کامل هم بینکم " گراندا نوامبر ۱۹۶۹
- ۲۴- ارقام داده شده بوسیله کاسترو در مخترانی دوازده مارس ۱۹۶۸ مارس
- ۲۵- نارملو میسا - لاکو و لیک زفیرین " برنامه ریزی مرکزی " در تحول انقلابی در کوبا [اسم کتاب] ۱۹۷۰
- ۲۶- نارملو میسا - لاکو کوبا در سالهای هفتاد [اسم کتاب] ۱۹۷۰
- ۲۷- آمارها از سازمان تغذیه و کشاورزی سازمان ملل گرفته شده از گزارشات دولت کوبا و همچنین از ارقام و مخترانهای مختلف دولت کوبا ذکر شده بوسیله میسا - لاکو کوبا در سالهای هفتاد
- ۲۸- در همانجا
- ۲۹- مخترانی توسط جورجی راسکیوت وزیر نار، گراندا بیست سپتامبر ۱۹۷۰
- ۳۰- مخترانی توسط جورجی راسکیوت بنقل از: جیمی سیوجلیسکی، کوبا از کلمبیا تا کاسترو نیویورک ۱۹۷۴
- ۳۱- کارملو میسا - لاکو " سیاستهای اقتصادی و رشد " در تحول انقلابی در کوبا ، ارقام دولت امریکا بالاتر هستند . همچنین کتابچه ارضی رسمی دولت امریکا درباره کوبا ۱۹۷۳
- ۳۲- موادی از قانون کار سال ۱۹۶۵ تا بعد از کنگره فدرالیسم اتحادیه تجاری کوبا (۵۷۶) در سال ۱۹۷۳ به اجرا در نیامده وجود دارد . قانون بوسیله هرناندز و میسا-لاکو امی میباشد .
- ۳۳- میسا - لاکو کوبا در سالهای هفتاد
- ۳۴- گزارش کاسترو به کنگره حزب
- ۳۵- رسکونت مخترانی ۳۱ زوئیه سال ۱۹۷۰
- ۳۶- رینی دومنات آیا کوبا سوسالیستی است؟ [اسم کتاب] نیویورک ۱۹۷۴
- ۳۷- گراندا ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۰
- ۳۸- تزارش کاسترو به کنگره حزب
- علم کدهات درون کوشش ها از ترجیم است .

This is a Farsi translation of the pamphlet, CUBA: The Evaporation of a Myth, by the Revolutionary Communist Party, USA. The original English and Spanish editions of the pamphlet can be obtained by writing RCP Publications, P.O. Box 3486, Chicago, Illinois 60654. The Farsi edition was originally translated and published in Iran by the "PEYKAR" organization.

نمایند و مم می نسخه ای دارند کان
راه آزادی طبیعت کارگر

نمایند و مم می نسخه ای دارند کان
دو راه آزادی طبیعت کارگر

نو شده: حزب کمونیست انلاین اورجین
ترجمه و تکمیل از:
در انتظاوهان طرفه ای می دستگاری ایزد و سکون